

در این شماره:

نوروز

تأثیر صنعت فشن بر حقوق زنان

معماری سنتی ایران و تکنولوژی های نوین استرالیا

تاریخ ایران

قطع کمک های دولتی و تأثیر احتمالی آن بر بازار مسکن استرالیا

گلستان نوبه قلم کاوه افراسیابی

روز جهانی حقوق بشر

ماهنامه رسمی کانون ایرانیان ویکتوریا - شماره ۱۹۱ - اسفند ۱۳۹۹

Official Monthly Magazine of The Iranian Society of Victoria - Issue 191 - March 2021

گلستان



فهرست مطالب

- ۱ سخنی با شما
- ۲ نوروز
- ۴ تاثیر صنعت فشن بر حقوق زنان
- ۶ روز مهاجر
- ۷ جشن سده
- ۱۰ گزارش تصویری ۱
- ۱۲ معماری سنتی ایران و تکنولوژی های نوین استرالیا در بهره گیری از انرژی های سبز و پایدار
- ۱۹ تاریخ ایران
- ۲۱ قطع کمک های اضافی دولتی به جوینده گان کار و تاثیر احتمالی آن بر بازار مسکن
- ۲۲ گلستان نو به قلم کاوه افراسیابی
- ۲۴ ارزش غذایی ماهی
- ۲۶ روز جهانی حقوق بشر
- ۲۷ گزارش تصویری ۲

کانون ایرانیان ویکتوریا برای انتشار شماره بعدی نشریه اینترنتی گلبانگ مقاله می پذیرد.

از تمامی فارسی زبانان مقیم ایالت ویکتوریا استرالیا که در این زمینه یادداشت، جستار، نقد و عکس دارند دعوت می کند تا مطالب خود را برای درج در نشریه گلبانگ به آدرس ایمیل ذیل ارسال کنند.

Info@aisov.org.au

مطالب دریافت و تایید شده توسط شورای سردبیری گلبانگ تا تاریخ دهم می، در شماره آتی گلبانگ منتشر می شوند.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد مجله گلبانگ به وبسایت کانون ایرانیان ویکتوریا مراجعه فرمایید:

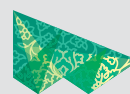
www.aisov.org.au



ماهنامه رسمی کانون ایرانیان ویکتوریا
شماره ۱۹۱ - اسفند ۱۳۹۹

Official Monthly Magazine of
The Iranian Society of Victoria
Issue 191 - MARCH 2021

ماهنامه گلبانگ، خبرنگارانه داخلی کانون ایرانیان ویکتوریا بوده و به عنوان یکی از کانال های رسمی ارتباطی این نهاد با اعضا تلقی می گردد.



AISOV
Australian Iranian
Society of Victoria
کانون ایرانیان ویکتوریا

این ماهنامه با نظارت هیأت مدیره کانون متشکل از افراد زیر، اداره می شود:

سحر قلی زاده (رئیس)، کامبیز رزم آرا (نائب رئیس)، فرزاد افراسیابی (خزانه دار)، شیرین نوری (منشی)، منیژه دلالی، پیمان پویان، صدیقه سالک نژاد، رعنا ابراهیمی، شبنم استرکی، پارمیدا عطار، افروز رحیمیان، عطیه عابدزاده و محمدرضا داوری

همکاران این شماره هیأت تحریریه: شروین رنجبر، مرضیه کاظم زاده ایرانشهر، یاسمن عزیزی، اکرم فلاح، بابک صالحیان و کاوه افراسیابی.

گرافیس: مرضیه جلائی

عکس روی جلد: پریناز ترابیان

نقاشی پشت جلد: مرضیه جلائی

ضمن ارج نهادن به آزادی عقاید، از درج مطالب ارسالی بدون نام و نشان معذوریم. درج مطالب رسیده دلیل بر تأیید آنها نمی باشد. حق انتخاب، ویرایش و چسب مطالب برای هیأت تحریریه و در نهایت هیأت مدیره کانون محفوظ می باشد.

نشانی دفتر کانون:

Level 1, 79 Mahoney's Road
Forest Hill VIC 3131

Telephone 03 9894 2644
Mobile 0468 460 698
Email info@aisov.org.au
Website www.aisov.org.au

نشانی پستی:

P.O. Box 1161
Doncaster East VIC 3109

و خویشاوندان از طریق دید و بازدید و هم‌سفره شدن با یکدیگر است. ششوربختانه از آن جا که ویروس کرونا بسیاری از کشورها را درگیر خود کرده است، ما باید برای انجام این دیدارها احتیاط بیشتری به خرج دهیم. کانون ایرانیان ویکتوریا همچون سایر مردم جهان که نوروز را جشن می‌گیرند، آرزو دارد سال ۱۴۰۰ سال پیروزی بر کرونا باشد و همه مردم دنیا بتوانند در این سال به زندگی طبیعی خود بازگردند. تاریخ بشر گواه آن است که انسان، در طول تاریخ، بارها و بارها، بر طبیعت و بلایای طبیعی غلبه کرده و آن را شکست داده است. انسان این بار نیز، بساط کرونای ترسناک را با تمام دردها و ناهمواری‌هایش، جمع خواهد کرد و انسان دنیای ما، فرزندان و نسل‌های بعد از ما، از دست آن نفس به راحتی خواهند کشید. اما نکته‌ای که نباید از یاد برد این است که اینک بخش بزرگی از جمعیت جهان، با دسترسی به اینترنت، هراس‌ها و امیدها و احساسات و مسائل خود در روزهای قرنطینه را با سایر مردم جهان به اشتراک می‌گذارد. از این منظر، کرونا نخستین تجربه جهانی مشترک همه ما در عصر دیجیتال و اینترنت است.

از این پس نیاز بشر به دانش نوین و علوم طبیعی به مراتب بیش‌تر از علوم انسانی خواهد بود. دیدگاه عمومی به علم نیز دستخوش این تغییر خواهد شد و چه بسا نهادهای تصمیم‌گیری و شهروندان دریابند که سرمایه‌گذاری در توسعه علم و فناوری باید در اولویت قرار بگیرد و اگر دانشمندان واکسن و یا دارویی برای بیماری‌های عصر جدید پیدا نکنند، نه از تورسیم و تفریح و شادی چیزی می‌ماند و نه راهی برای کسب درآمد ورزشکاران و سوپرستارها و سلبریتی‌ها و بازیگران و خوانندگان مشهور وجود خواهد داشت. جهان پس از کشف واکسن کرونا، احتمالاً، دیدگاه متفاوتی به همه‌چیز خواهد داشت و در خواهد یافت که پیشرفت‌های علمی امروز با وجود حیرت‌انگیز بودن همچنان ناچیز است.

در تمامی بحران‌ها و شرایط دشوار، افرادی موفق‌اند که با به کارگیری تجارب گذشته، واقع‌بینی، شناخت خود، زندگی در حال، به کارگیری استعدادها و مهارت‌های موجود و آموزش‌های جدید، تاب‌آوری فردی، خانوادگی و اجتماعی بالاتری با مولفه‌های انعطاف‌پذیری، مقاومت، سرسختی در شرایط دشوار، بروز هیجان و احساسات مثبت از خود، قدرت حل مسئله، تصمیم‌گیری، سازگاری با شرایط، هدفمندی، داشتن مهارت‌های زندگی و برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و ارتباطی گسترده، از سلامت جسمی و روانی در شرایط مختلف زندگی برخوردار باشند.

کانون ایرانیان ضمن امیدواری به بازگشت به فعالیت‌های عادی و برگزاری رویدادها به صورت حضوری در سال ۱۴۰۰ شمسی، تلاش می‌کند مانند گذشته در کنار پارسی زبانان ویکتوریا و استرالیا، دوران گذار از زندگی کرونایی به طبیعی به بهترین نحو ممکن و با بیشترین تاب‌آوری اجتماعی و کمترین آسیب‌های روحی و روانی برای این جامعه سپری گردد.

سالی که گذشت از عجیب‌ترین سال‌های قرن و حتی هزاره اخیر بود. در این سال مردم جهان و پارسی زبانان به ویژه در ایران و خاورمیانه با کرونا و معضلات ناشی از آن دست و پنجه نرم کردند و می‌کنند. به عبارت دیگر سال ۱۳۹۹ از بی سابقه‌ترین سال‌ها، در تاریخ معاصر زندگی بشر است. شاید کمتر کسی پیش بینی می‌کرد بشری که تا این حد، از ابزارها و توانمندی‌های علمی و فناوری برخوردار است، چنین درمانده و غافلگیر شود. شیوع ویروس کرونا، تکانه شدیدی بر پیکر جهان و جهانیان وارد کرد. در فاصله کمتر از چند ماه، اکثر بازارهای بزرگ جهانی به رکود رفت و هزاران شرکت و موسسه بازرگانی، تولیدی و خدماتی و همچنین مراکز آموزشی و دانشگاه تعطیل شد. میلیون‌ها انسان مجبور شدند در کنج خانه‌های خود پناه برند تا بدین طریق، خود را از شر ابتلا به این ویروس همه گیر، نجات بخشند. با آن هم، تا کنون بیشتر از صد میلیون انسان در سراسر جهان به دام آن افتاده‌اند و نزدیک به سه میلیون نفر (اسفند ۱۳۹۹)، قربانی شده است. هزاران نفر که در سفر بودند تا بحال نتوانسته‌اند به خانه بازگردند و جمع کثیری از مهاجران هم طی پانزده ماه گذشته شانس دیدار خانواده و رفتن به وطن را به خاطر محدودیت‌های سفر، از دست داده‌اند.

موسسات آموزشی، فرهنگی و سازمان‌های مردم نهاد (سمن) از جمله اولین موسساتی بودند که در اکثر کشورهای جهان تعطیل یا نیمه تعطیل شدند و میلیون‌ها نفر از مخاطبان و اعضای آنها از خدمات حضوری آنها باز ماندند. کشورهایی مانند استرالیا که از یک طرف تجربه آموزش و ارتباطات آنلاین و غیر حضوری را داشتند، و از طرف دیگر، از مدیریت سالم و حساب شده ای برخوردار بودند، به زودی توانستند طرح جانشین خود را روی دست گیرند و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی خود را با استفاده از نرم افزارهای قابل استفاده در دنیای مجازی، پیش ببرند. اما کشورهای دیگری که در این زمینه ضعیف هستند با مشکلات متعددی مواجه شدند. خوشبختانه این روزها همه جا بحث بر سر واکسن کروناس و تزریق آن در برخی از کشورهای جهان آغاز شده است. مدیریت کم نظیر پروتکل‌های بهداشتی توسط دولت استرالیا و ویکتوریا به همراه همکاری مردم طی ماه‌های اخیر سبب شد کنترل بیماری کووید ۱۹ با قدرت بیشتری انجام شود و خوشبختانه تعداد مبتلایان به صفر برسد و در حال حاضر هم دولت فدرال در حال فراهم کردن مقدمات آغاز واکسیناسیون فراگیر کرونا در این کشوری باشد.

کانون ایرانیان ویکتوریا نیز به تبع سازمان‌های دیگر طی این مدت بسیاری از فعالیت‌های خود مانند جلسات هیات مدیره و مراسم‌ها همچون جشن مهرگان و چهارشنبه سوری را به صورت آنلاین برگزار کرد و طی دوران قرنطینه هم سعی نمود با برگزاری مراسم‌هایی نظیر Are U Ok با هدف ایجاد نشاط و شادی در جامعه پارسی زبان و همچنین با استفاده از شبکه‌های اجتماعی در دسترس، آخرین اطلاعات و اخبار مرتبط با این بیماری واگیردار را در اختیار پارسی زبانان ساکن استرالیا و ویکتوریا قرار دهد.

نوروز زمانی برای دور هم جمع شدن و درک این نعمت‌ها در میان دوستان

نوروز

محمد رضا داوری



سفره هفت سین دانشجویان استرالیا، عکاس: یاسمن عزیزی

آذربایجان، آلبانی، چین، ترکیه، ترکمنستان، هند، پاکستان و ازبکستان، تعطیل رسمی است و مردمان این مناطق، به استقبال نوروز می‌روند و با اندکی تفاوت، جشن نوروز برپا می‌کنند.

نوروز اولین روز بهار است و در آن طبیعت از خوابی طولانی بیدار می‌شود و مجدداً زندگی خودش را از سر می‌گیرد. ایرانیان نیز هر ساله شروع فصل جدید طبیعت را جشن می‌گیرند. آن‌ها سعی می‌کنند با خانه تکانی دل‌هایشان، فصل جدید و پر باری را در زندگیشان رقم بزنند. عید باستانی نوروز را با رسم و رسوماتی مثل خانه تکانی، دید و بازدید، تخم‌مرغ‌های رنگی، سبزی پلو با ماهی، هفت سین و... می‌شناسیم.

نوروز، با ریشه ایرانی، به تاریخ ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰)، در تقویم مجمع عمومی سازمان ملل به ثبت رسیده است. جشنی با قدمت بیش از ۳ هزار سال. امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر این روز را جشن می‌گیرند.

پیش از آن در ۸ مهر ۱۳۸۸ خورشیدی، نوروز به پیشنهاد ازبکستان، توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) به عنوان میراث معنوی، به ثبت جهانی رسیده بود. در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان دبیرخانه نوروز شناخته شد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای، روز ۲۱ مارس برابر با اول فروردین را تحت عنوان فرهنگ صلح به عنوان «روز جهانی

یکی از جشن‌های ایران باستان که بعد از گذشت سال‌ها، مردم هنوز آن را هر سال باشکوه‌تر برگزار می‌کنند، عید نوروز است. عید نوروز با شروع سال نو همراه است و افراد در این ایام، رسوم مختلفی را دنبال می‌کنند و سال جدید را به یکدیگر تبریک می‌گویند.

با توجه به روایت‌های افسانه‌ای موجود، نوروز در زمان جمشید، پادشاه چهارم پیشدادی ایران به وجود آمده است. در اوستا، یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های ایران باستان، از فردی به نام جمشید یاد شده که از قدرت فره ایزدی برخوردار بوده است. جمشید با دستور اهورا مزدا شروع به مقابله با اهریمن می‌کند؛ چراکه اهریمن در آن زمان خسارات زیادی از جمله قحطی و خشک‌سالی به بار آورده بود.

کوروش دوم بنیان‌گذار هخامنشیان، نوروز را در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاک‌سازی مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا می‌نمود. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. مردم در دوران هخامنشیان با جشن‌های نوروز آشنا بوده‌اند و هخامنشیان نوروز را با شکوه و بزرگی جشن می‌گرفته‌اند.

خاستگاه نوروز، سرزمین پهناور ایران باستان است. هر سال مردم مناطق گوناگون فلات ایران، نوروز را جشن می‌گیرند. نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می‌شود. در برخی دیگر از کشورها مانند تاجیکستان، روسیه، قرقیزستان، قزاقستان، سوریه، عراق، گرجستان، جمهوری

درخت مقدس انار، بید، زیتون، انجیر در دسته های سه، هفت یا دوازده تایی) و کتاب مقدس از وسایل دیگر مورد استفاده در سفره هفت سین بود. برخی از منابع آورده‌اند ایرانیان قبل از اسلام سفره «هفت چین» داشته‌اند و هخامنشیان در نوروز در هفت ظرف چینی غذا می‌گذاشتند که به آن هفت چین یا هفت چیدنی می‌گفتند.

در برخی از منابع تاریخی آورده شده ایرانیان در قدیم سفره هفت سین داشته‌اند که به تدریج تغییر نام داده است. اجزای تشکیل دهنده سفره هفت سین شمع، شراب، شیرینی، شهد (عسل)، شمشاد، شربت و شقایق یا شاخه نبات، بودند.

در زمان ساسانیان هفت سین رسم متداول مردم ایران شد و شمشاد در کنار بقیه شین‌های نوروزی، به نشانه سبزی و جاودانگی بر سر سفره قرار گرفت.

در برخی از روستاها رسم هفت سینی برپا بوده است آنها درون هفت سینی خوراکی‌های مختلف می‌گذارند. هفت سینی، بعدها با حذف (یای) به صورت هفت سین درآمده است.

سیزده بدر

به‌طور کلی در میان جشن‌های ایرانی جشن «سیزده‌بدر» کمی مبهم است، زیرا مبنا و اساس دیگر جشن‌ها را ندارد. در کتاب‌های تاریخی اشاره‌ای مستقیمی به وجود چنین مراسمی نشده‌است، اما در منابع کهن اشاره‌هایی به «روز سیزدهم فروردین» هست.

گفته می‌شود ایرانیان باستان در آغاز سال نو پس از دوازده روز جشن گرفتن و شادی کردن که به یاد دوازده ماه سال است، روز سیزدهم نوروز را که روز فرخنده‌ایست به باغ و صحرا می‌رفتند و شادی می‌کردند و درحقیقت با این ترتیب رسمی بودن دوره نوروز را به پایان می‌رسانیدند. در ایران باستان پس از برگزاری مراسم نوروزی سیزدهم که به ایزد باران تعلق داشت مردم به دشت و صحرا و کنار جویبارها می‌رفتند و به شادی و پایکوبی می‌پرداختند و آرزوی بارش باران را از خداوند می‌نمودند. اکنون هم زرتشتیان از بامداد روز تشریح ایزد و فروردین ماه، سفره نوروزی را برمی‌چینند، خوردنی‌ها و مقداری آجیل و شیرینی‌های باقی‌مانده در سفره نوروز را با خود به طبیعت می‌برند، و شش سبزه‌های موجود در سفره را با خود برمی‌دارند و به دشت و صحرا و کنار چشمه‌ها یا آب‌های روان می‌روند. سبزه‌ی خود را در کنار جویبارها به آب روان می‌سپارند و آرزو می‌کنند که سالی پربرکت و خرم داشته باشند. تا پسین آن روز را بیرون از خانه هستند و در طبیعت و میان سبزه و صحرا به شادمانی می‌پردازند. این رویداد دارای آیین‌های ویژه‌ای است که در درازای تاریخ پدید آمده و اندک اندک چهره سنت به خود گرفته‌است. از آن جمله می‌توان آیین‌های زیر را برشمرد.

- گره زدن سبزه
- سبزه به رود سپردن
- خوردن کاهو و سکنجبین
- پختن خوراک‌های گوناگون به ویژه آش رشته
- پرتاب ۱۳ عدد سنگ به ویژه مناطق (کرد نشین)

نوروز» به تصویب رساند و در تقویم خود جای داد. طی این اقدام که برای نخستین بار در تاریخ این سازمان صورت گرفت، نوروز ایرانی به عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.

نخستین بار در ۱۳۹۱، نوروز را در صحن عمومی سازمان ملل و یونسکو به میزبانی ایران جشن گرفتند.



خانه تکانی

یکی از رسوم پسندیده و ارزش‌های نیک نوروز، نظافت و «خانه تکانی» است که یکی دو هفته پیش از عید انجام می‌گیرد. خانه‌ها و مراکز عمومی شسته و تمیز می‌شود تا ذره‌ای از گرد و غبار سالی که رفته باقی نماند. به یکباره سیمای شهرها و روستاها دگرگون می‌شود.

کاشتن سبزه

کاشتن سبزه نیز از دیگر کارهایی است که مردم در استقبال بهار انجام می‌دهند. چند روز مانده به عید، دانه‌هایی نظیر گندم، عدس، ماش و ... را در بشقاب یا ظروف سفالین کوچک می‌ریزند و با روش خاص سبز می‌کنند. مردم این سبزه‌ها را که نمادی از سرزندگی و برکت است در سفره‌های هفت سین روز اول عید قرار می‌دهند و در پایان مراسم نوروز در روز سیزدهم فروردین «سبزه بدر» آنها را که بلند و بزرگ شده‌اند به دامان طبیعت یا آب روان می‌سپارند.

هفت سین

از مشهورترین مراسم نوروزی ایرانیان، گستردن سفره هفت سین است. امروزه نیز مردم ایران سفره هفت سین را چند ساعت مانده به زمان تحویل سال نو آماده می‌کنند و مواد خوراکی که ابتدای آنها با سین آغاز می‌شود از قبیل سنجد، سبزه، سمنو، سکه، سیب، سماق و سیر را بر سر سفره می‌گذارند.

ایرانیان با فراهم کردن هفت سین به شماره هفت امشاسپند یا دوازده شماره مقدس برج‌ها، برای روز نخست بهار وسایلی مانند آب و سبزه نماد (روشنایی و افزونی) آتشدان نماد (پایداری نوروگرما)، شیر نماد (نوزایی و رستاخیز و تولد دوباره)، تخم مرغ نماد (نژاد و نطفه)، آیینه نماد (شفافیت و صفا)، سنجد نماد (دلدادگی و زایش و باروری)، سیب نماد (رازواری و عشق) انار نماد (تقدس) سکه تازه ضرب نماد (برکت و دارندگی) ماهی نماد (ماه سپری شده اسفند) نارنج نماد (گوی زمین) گل بید مشک گل ویژه‌ی اسفند نماد (امشاسپند سپندارمز) در سفره خود می‌گذاشتند.

گلاب، نان پخته شده از هفت حبوب، خرما، پنیر، شکر، شاخه‌هایی از

تأثیر صنعت فشن بر حقوق زنان جهان

شروین رنجبر



کاهش داد و از این رو زنان و کودکان در سالن های ریسندگی و بافندگی جایگزین مردها شدند . با اختراع ماشین چرخ خیاطی کار تولید لباس از این هم آسان تر شد و دوخت با دست جای خود را به ماشین های چرخ خیاطی داد و صنعتگران هنرمندی که حرفه شان دوزندگی بود، با کارگران عادی در پای چرخ های خیاطی جایگزین شدند. صنعتگران انگلیسی و فرانسوی برآشفته شدند چون آزادی عمل و هنرشان تحت تاثیر ماشینها قرار گرفته بود و صنعت تولید پوشاک دیگر به هنرمند و صنعتگری نیاز نداشت و همه مشاغل این رشته از قالب صنعتگر به کارگر روز مزد تغییر پیدا کرده بود و هنر و خلاقیت و جایگاه اجتماعی صنعتگران با صنعتی شدن نساجی از بین رفت و هویت شاغلین در این صنعت به سطح همین ماشین آلات تقلیل پیدا کرد. صاحبان کارخانه های نساجی زنان و کودکان را به کار گرفتند تا هر چه می توانستند دستمزد کمتری بابت تولید بپردازند. ساعات کاری روزانه بین ۱۲-۲۰ ساعت متغیر بود و کودکانی که سر کار خوابشان می برد تنبیه می شدند. حقوقشان کفاف زندگی را نمی داد. تا این که در سال ۱۸۳۳ قانون حقوق کارگری تصویب شد و بر اساس آن

تا اوایل قرن بیستم و دوران ملکه ویکتوریا، لباس های زنان به گونه ای دوخته می شدند که به تن کردن لباس، زمان زیادی می برد و غالباً نیاز به کمک خدمه داشت.

پس از مرگ ملکه ویکتوریا در سال ۱۹۰۱ پسرش ادوارد هفتم بر تخت نشست. ادوارد انسان خیلی راحت و سهل گرای بود و در زمان سلطنتش همه چیز و از جمله مد هم به سمت سهولت و فراغ بالی حرکت کردند. تغییر لایف استایل زندگی از یک سو و آغاز انقلاب صنعتی از سوی دیگر ، باعث تغییرات زیر بنایی در صنعت پوشاک و مد شد که در اینجا این تغییرات را با هم بررسی کنیم.

سلطنت ملکه ویکتوریا همزمان با عصر انقلاب صنعتی بود. انقلاب صنعتی تاثیر چشمگیری در تولید لباس و صنعت مد ایجاد کرد. در اواخر قرن ۱۸ میلادی، ماشین صنعتی نخ ریزی توسط انگلیسی ها اختراع شد و به دنبال آن ماشین پارچه بافی صنعتی وارد بازار شد که سرعت تولید پارچه را به میزان قابل توجهی افزایش داد. جایگزینی ماشین های بافندگی دستی با ماشین های مکانیکی نیاز به قدرت بدنی و کار فیزیکی بافتن پارچه را

و ساعات طولانی در محیط نامناسب پرداخت می‌کنند. این نهضت از من و شما مصرف کننده عادی درخواست می‌کند که از توان خریدمان استفاده کنیم و تولید کنندگان و برندها را مجبور به پاسخگویی کنیم. از ما می‌خواهد که با ترک اعتیاد و بردگی به فست فشن، فرصت حقوق کارگری را برای مردم جهان سوم فراهم کنیم. عطش خرید ارزان و بیش از نیاز را خاموش کنیم و از برندهایی که حاضرند حق انسانی کارگرها را محترم بدانند خرید کنیم.

صنعت مد در طول تاریخ دستمایه‌ای برای ضایع کردن حقوق زنان بوده است و اینبار نوبت ماست که به عنوان مصرف کننده، نبض بازار را با ترازوی حقوق بشر بسنجیم. بیش از نیاز نخریم، بی کیفیت نخریم، فست فشن نخریم و قبل از پایان عمر پوشاک آنرا دور نیاندازیم تا برندها را مجبور کنیم که برای محیط زیست، جامعه بشری و حقوق برابر، آهسته‌تر، بهتر و عادلانه تر تولید کنند.

کودکان نه سال به بالا بیش از هشت ساعت در روز مجاز به کار نبودند و کار برای کوچکترها هم ممنوع بود.

انقلاب صنعتی تا آنجا پیش رفت که در ابتدای قرن بیستم و همزمان با فوت ملکه ویکتوریا، دپارتمان استورها قادر شده بودند که در مقیاس بزرگ تری لباس‌های آماده عرضه کنند و به دلیل میزان تولید بیشتر، اتوماتیک شدن و کاهش هزینه کارگر، قیمت لباسی که به روش سنتی ۷۵ دلار فروش می‌رفت (یعنی ۱۸۶۴ دلار امروزی) تا ۲۵ دلار (۶۲۱ دلار امروزی) تقلیل دهند. اگر چه صنعت مد و تولید لباس، تاثیر عمیقی از انقلاب صنعتی گرفت ولی در عین حال، منشا تاثیرات زیادی در روند تغییرات اجتماعی شد. در اوایل قرن بیستم و در ۲۵ مارس ۱۹۱۱ آتش سوزی کارخانه پوشاک triangle shirt-waist در نیویورک که باعث کشته شدن ۱۴۶ زن و دختر بچه و ۲۳ مرد شد توجه عمومی را به ایمنی و بهداشت محل کار و حقوق کارگر جلب کرد. وقتی ساختمان آتش گرفت، درهای کارگاه که در طبقه ۸-۱۰ ساختمان واقع بود، طبق روال عادی قفل بودند که کارگرها بدون اجازه کارشان را ترک نکنند و برای همین کارگرها در محاصره آتش گیر افتادند و راه فرارهای بسته شد، نردبان‌های آتش نشانی تا طبقات فوقانی ساختمان نمی‌رسید و تورهای نجات هم به اندازه کافی مستحکم نبودند که بتوانند کسانی را که از ارتفاع بالا می افتند را حفظ کنند. نتیجه این شد که نزدیک به ۱۷۰ نفر بخاطر خفگی یا آتش سوزی یا سقوط از ارتفاع کشته شدند و همین اتفاق توجه اجتماعی را به ایمنی محل کار و حقوق کارگری معطوف کرد و انقلاب اجتماعی در راستای حقوق کارگری و حقوق زنان پدید آمد. روز ۸ مارس به همین دلیل روز جهانی حقوق زنان نام گرفته و فرصتی است برای آدرس دادن حقوق نابرابر زنان در سراسر دنیا. هنوز پس از گذشت یک سده از این اتفاق، صنعت مد و پوشاک همچنان حقوق بسیاری از زنان را در نقاط مختلف دنیا پایمال می‌کند و همچنان فعالان حقوق بشر در تلاشند تا به این مهم فایق شوند.

شاید برای شما جای تعجب باشد اگر بدانید که تقریباً صد سال پس از آتش سوزی در نیویورک، اتفاق کاملاً مشابهی در رنا پلازا در بنگلادش رخ داد. این بار فاجعه عظیم تر بود و آتش سوزی باعث مرگ ۱۱۳۲ کارگر نساجی شد که در فضای غیر استاندارد و بسیار فشرده مشغول دوختن لباس برای برندهای صاحب نام دنیا بودند. به دلیل فشردگی جمعیت و غیر استاندارد بودن ساختمان، مجال فرار برای همه ایجاد نشد و بیش از هزار نفر در آتش سوختند. صنعت مد و پوشاک بار دیگر قربانی گرفته بود تا مصرف کننده عادی بتواند با قیمتی کمتر، به جای یک لباس چندین لباس بخرد و بی دغدغه دور بیاندازد.

این صنعت بخاطر بکارگیری زنان همیشه در معرض سو استفاده کارفرما و عدم رعایت حقوق کارگری بوده است. پس از فاجعه رنا پلازا بار دیگر توجه جهان به سمت بردگی مدرن در صنعت فشن جلب شد. انقلابی دیگر به راه افتاد. اینبار انقلاب مد نام گرفت. Fashion revolution یا انقلاب مد توجه مصرف کننده‌های جهانی را به حلقه تامین و تولید پوشاک و چگونگی تولید این لباس‌ها در جهان سوم جلب می‌کند. جایی که بهای ارزان بودن پوشاک را انسان‌های دیگر با کارهای طاقت فرسا



روز مهاجر

شیرین نوری

کمتر چیزی که پس از مهاجرت قدرانش هستیم. مهاجرت ما، حال با هر گونه و شرایط، دلیل بسیار موجهی برای خودمان داشته، سختی این راه بی‌شک برای همگی مان ملموس است. ولی چقدر با این فرهنگ و کشوری که برای زندگی انتخاب کردیم عجین شده‌ایم؟ شاید انگ بیگانه شدن و بیگانه پرستی بزیند، ولی حقیقت این است که درک و شناخت زندگی و آداب و فرهنگ جدید، تجددگرایی و بیگانه شدن از فرهنگ خویش نیست. چند درصد از ما هنوز اولین اولویت‌مان دنبال کردن خبرها و رخدادهای ایران است در جائیکه حتی وزیر ایالتی که در آن زندگی می‌کنیم نمی‌شناسیم. البته بی‌شک این نوع رفتار فقط مختص به جامعه ما نیست، بلکه خیلی از جوامع دیگر مانند ویتنامی‌ها، چینی‌ها، فیلیپینی‌ها، ترک‌ها و بسیاری دیگر بی‌شک جامعه‌ای مانند جامعه کشورشان ولی در غالب خیلی کوچک‌تر اما با افکار سنتی در محله‌های مختلف ایجاد کرده‌اند. البته ناگفته نماند که انگشت اشاره بر کل جامعه مهاجر نیست، اما بدون اغراق بسیاری از ما متأسفانه از یادگیری و عجین شدن در فرهنگ چندملیتی گریزان هستیم.

زندگی مهاجران در خیلی از جهات سخت و طاقت فرساست، خیلی از جاها می‌بریم و انگار دوست داریم از وجود و جایگاهی که ساخته‌ایم فرار کرده و باز به پوسته قبلی و دوستان و دورهمی‌های قبل از مهاجرت برگردیم. غافل از اینکه زمان خیلی چیزها را حتی خانواده و دوستان قدیمی و دورهمی‌ها و هزاران خاطرات گذشته خوب ما مثل خود ما، با تغییر شرایط جامعه و تکنولوژی نیز تغییر داده است و این چیزی جز سراب و خیالی در ذهن خسته‌مان نیست. پس چرا با دید بازتر به این جامعه و کشوری که خیلی چیزها را با همت و تلاش خودمان به ما ارزانی داشته نگاه نکنیم، بهتر ببینیم، بشناسیم، قاطی بشیم و از هر کدام بهترین را برای بهترین شدن خودمان بدون تعصب و برخوردن‌های افراطی انتخاب کنیم.

به امید ساخت جامعه چندملیتی بهتر و متحدتر در این مملکت زیبا در کنار یکدیگر و مهاجران آینده.



بیست و هفتم آذر برابر هیجدهم دسامبر، توسط یونسکو روز جهانی مهاجر نام گذاری شده است. در این روز صحبت و گفتگوهای بسیاری در باب مهاجرت و علت آن می‌شود.

شاید همه ما قبل از مهاجرت و آرزوی تشکیل زندگی جدید در کشوری دیگر را مدت‌ها در ذهن پرورانده و به امید ساختن آینده‌ای بهتر برای رسیدن به این آرزو تلاش‌های فراوانی کرده‌ایم. از عوامل عمده مهاجرت، می‌توان ندیدن آینده‌ای بهتر در سرزمین مادری به انضمام هزاران دلیل دیگر که رسیدن به آرزوها در آن سرزمین از آن جمله است، اشاره کرد. حال پس از سال‌ها تلاش این آرزو محقق شده و ما در این کشور ساکن شدیم. استرالیا به حق کشور بسیار خوبی برای زندگی و ساختن آینده و خانواده است. ولی مشکلات عدیده‌ای هم هست که بخصوص در سال‌های اول اقامت پررنگ و بسیار طاقت فرساست. دوری از خانواده و دوستانی که خاطرات خوب را با آنها رقم زدیم. عدم حمایت خانواده نزدیک در شرایط بحرانی، تنهایی و دست‌پنجه نرم کردن با مشکلات، همه و همه پس از مهاجرت یکی پس از دیگری هویدا شده و تأثیرش تا ابد باقی است.

به عنوان مهاجری که به دلایل موجه از نظر خودم، بیش از شانزده سال است که در استرالیا و ملبورن زندگی می‌کنم، وقتی شرایط کنونی ایران را می‌بینم بسیار از تصمیمی که گرفتم و بهای گرانی که برای آن، نه از لحاظ مالی بلکه از لحاظ فکری، ذهنی، احساسی پرداخت کرده‌ام و سختی‌های محیط کاری که تحمل کرده‌ام و هزاران مشکل دیگر که یک مهاجر با آن بدون وقفه دست به گریبان است، بسیار راضی و خشنودم. چرا که سعی کرده‌ام متفاوت با افرادی که زمانی که مهاجرت می‌کنند دلیل ترک وطن را فراموش می‌کنند، خوشی‌ها و دورهمی‌های آن دوران برایشان پررنگ می‌شوند و مشکلات و سختی‌های اینجا مانند پتکی بر وجودشان می‌زند، فکر کنم.

آری ما در کشور خوب و جهان اول زندگی می‌کنیم ولی بسیاری از ما همچنان با تفکرات و ذهنیات و رسم و رسوم و فرهنگ قدیمی‌مان به سر می‌بریم. کمتر ایرانی با غیر استرالیایی و استرالیایی دوست صمیمی می‌شود، حتی محل زندگی‌مان را سعی می‌کنیم در محله‌ای که بیشتر ایرانیان ساکن هستند انتخاب کنیم. انگار لذت‌های دورهمی‌مان در کنار یک ایرانی و هموطن بیشتر از بودن با دیگر فرهنگ‌ها و ملیت‌هاست، غافل از اینکه این کشور و مردمانش مانند دانشگاهی برای ساختن و تغییر فکر و تحول زندگی‌مان فارغ از خودنمایی و بزرگ بینی است. البته منظور من بیگانه شدن با فرهنگ، ملیت و هموطنان مان نیست بلکه به شدت طرفدار همبستگی و اتحاد هستیم و برای آن تلاش می‌کنم، اما از شناخت سرزمین جدید و مردمانش همیشه به وجد آمده‌ام.

زندگی در هر جای دنیا که باشی سخت و طاقت فرساست ولی ساختن حال خوب به‌عنوان یک مهاجر در کشوری که امکانات بسیاری در آن مهیاست چندان سخت نیست. لپ کلام همین آزادی که در اختیار ماست،

جشن سده

مرضیه کاظم زاده ایرانشهر

سیاهی نمودار شد؛ هوشنگ سنگ بزرگی برداشت و به سوی آن رها کرد، سنگ به کوه برخورد کرد و آتش از برخورد سنگ‌ها برخاست. به گفته فردوسی:

هم آن و هم این سنگ گردید خرد
برآمد به سنگ گران سنگ خرد
دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
فروغی پدید آمد از هر دو سنگ
نیایش همی کرد و خواند آفرین
جهاندار پیش جهان آفرین
همین آتش آن گاه قبله نهاد
که اورا فروغی چنین هدیه داد

سده نام آن جشن فرخنده کرد یکی جشن کرد آنشب و باده خورد البته روایت‌های زیادی برای نامگذاری این جشن از منابع مختلف نقل شده که در اینجا تنها به اشعار فردوسی بسنده می‌کنیم. به نوشته مورخانی همچون بیرونی، بیهقی، گردیزی جشن سده یکی از سه جشن بزرگ ایرانیان است که در دوران اسلامی، تا اواخر دوران خوارزمشاهیان و حمله مغول دوام آورد و هم سلاطین و امیران و هم مردم عادی این جشن را به پا می‌داشتند؛ مشهورترین و بزرگ‌ترین جشن سده در زمان مردآویج در سال ۳۲۳ هجری در اصفهان برگزار شده است و چنان که در تاریخ

جشن سده یکی از جشن‌های با شکوه باستانیست که در شامگاه دهمین روز یا آبان روز از بهمن ماه با افروختن هیزمی که مردمان، از روزهای پیشین در مرکز شهر یا آبادی یا بر بلندی کوهستان گرد آورده‌اند برگزار می‌شود. در تواریخ اشاره شده که این جشن همیشه به شکل دسته‌جمعی و با گردهمایی همه مردمان شهر و محله و روستا در یک جا و با برپایی یک آتش بزرگ برگزار می‌شده است، مردمان در گردآوردن هیزم با یکدیگر مشارکت می‌کنند و بدین ترتیب جشن سده، جشن همکاری و همبستگی مردمان است.

زرتشتیان استان‌های کرمان، یزد، فارس و دیگر استان‌ها از دیرباز این جشن را برگزار می‌کرده‌اند، امروزه به جز این شهرها در روستاهای اطراف میبد و اردکان، بافت، بردسکن، طبس (روستای پیرحاجات) و حتی در برخی کشورهای خارجی مانند سوئد، آمریکا و استرالیا ایرانیان با گردآمدن در یک نقطه از شهر یا روستا در کنار هم آتشی بسیار بزرگ می‌افروزند و به نیایش خوانی و سرودخوانی و پایکوبی می‌پردازند؛ گفتنی است بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین جشن سده‌ی جهان در کرمان هر ساله برگزار می‌شود؛ همچنین در تقویم اصلی و جدید زرتشتیان این روز را آبان روز نامیده‌اند.

داستان پدیدآمدن آتش و بنیاد نهادن جشن سده در شاهنامه بدین گونه آمده است که هوشنگ با چند تن از نزدیکان از کوه می‌گذشتند که مار



خواننده، این مراسم به وسیله‌ی انجمن زرتشتیان کرمان سده‌هاست که بیرون از شهر انجام شده و همه مردم زن و مرد، زرتشتی و مسلمان، کلیمی در آن جا گرد آمده و در شادی شرکت می‌کنند در تهران این جشن بیست و پنج سال است که با شکوه وسیله سازمان فروهر در باغ (کوشک) ورجاوند برگزار می‌شود. در شیراز پنج سال این جشن به همت خانم پریچهر همسر استاد فرهنگ مهر (فرهنگ مهر زاده ی ۱۹ آذر ۱۳۰۲ درگذشته‌ی ۱۲ اسفند ۱۳۹۶، استاد بازنشسته‌ی روابط بین‌الملل دانشگاه بوستون، معاون اسبق نخست‌وزیر ایران و رئیس دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) بود او تنها زردشتی‌ای است که مقامی در کابینه‌ی وزرای ایران داشته‌است) و با یاری زرتشتیان، آرتشیان و مردم شیراز، برابر کعبه زرتشت، نزدیک تخت جمشید برگزار شد.

برخی از پژوهشگران جشن سده را به آیین مهرپرستی یا میترایسیم که در میان مردم ایرانی تبار، قرن‌ها پیشتر از آیین زرتشتی هم رایج بوده، مربوط می‌دانند. البته، در نزد زرتشتیان آتش یکی از نمادهای مقدس جشن سده هم حفظ شده‌است. به نوشته برخی از تاریخ نگاران، جشن سده ۵۰ روز و ۵۰ شب قبل از اعتدال بهاری یا جشن نوروز برگزار می‌شود، به همین دلیل سده نامیده شده، چون حاصل جمع این دو، صد می‌شود. صادق هدایت در سال‌های جوانی خود از جشن سده زرتشتیان کرمان دیدن و چنین گزارش می‌کند: «سده‌سوزی جشنی است که هنوز زرتشتیان کرمان به یادگار جمشید و آیین‌های ایران باستان می‌گیرند و برای این کار موقوفاتی در کرمان در نظر گرفته‌اند. پنجاه روز به نوروز خوارها بوته و هیزم درمنه در گبر محله باغچه بوداغ‌آباد گرد می‌آورند. جنب این باغچه

بیهقی آمده است جشن سده دیگری که به یاد مردم مانده، جشنی است که در زمان سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۳۰ هجری برگزار شد. به هر روی، ماندگاری سده در فرهنگ ایرانی بسیار مرهون اقوام گوناگون ایرانی است؛

کرمان، در هشتاد سال گذشته مهد برگزاری سده بوده‌است و همه ساله باشکوه‌ترین جشن سده نیز در آن جا توسط همه مردم برگزار می‌شود؛ در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، زرتشتیان این جشن را با روش‌های تازه‌ای که سابقه تاریخی ندارد، برپا می‌کنند.

کرمانی‌ها این جشن را باشکوه‌تر از مناطق دیگر برگزار می‌کنند؛ هنوز هم در کرمان رسم است که کشاورزان از خاکستر آتش بر زمین‌هاشان می‌پاشند، زیرا عقیده دارند که خاکستر آتش سده به زمین برکت می‌دهد. در گذشته‌های نه چندان دور این مراسم در پشت‌بام‌ها برگزار می‌شد؛ این جشن جمعی و همگانی است؛ هیچ‌گاه این مراسم پنهانی و در خفا انجام نمی‌شده و همواره با حضور تعداد زیادی از مردم در بیابان‌ها و دشت‌ها برپا می‌شده‌است؛ هنوز هم در کرمان در روز جشن سده، مدارس را تعطیل می‌کنند. جالب است که به رغم گذشت هزاران سال از برگزاری نخستین سده، امروزه تغییرات محسوسی در برگزاری این جشن به وجود نیامده است. در ایران باستان و در میان زرتشتیان ایران، این جشن نزدیک غروب آفتاب، با آتش‌افروزی آغاز می‌شود و امروز هم با همان سنت کوه‌هایی از بوته و خارو هیزم در بیرون شهر فراهم شده، در حالی که موبدان لاله به دست اوستا زمزمه می‌کنند، بوته‌ها را روشن کرده و مردمی که در آن جا جمع شده‌اند نماز آتش نایش





با شرایط کرونا برنامه‌ها مختصر و کوتاه اجرا شد. پس از برافروختن آتش مهمانان با شام پذیرایی شدند.

به امید اینکه هر سال در هر کجای کره خاکی ایرانیان جشن‌های باستانی را با شکوه برگزار کنند تا نه تنها آیین فرهنگی و باستانی خود را پاس بدارند بلکه با شرکت در این جشن‌ها به وسیله‌ی فریحات سالم و عیش و سرور و دست افشانی و آتش‌افروزی و پایکوبی روان افسرده را شادابی می‌بخشند و خستگی‌های فکری و جسمی را از تن و روان خویش می‌زدایند و خویشستن را برای کارهای سنگین روزهای پس از جشن آماده می‌کنند. مهمتر از همه اینکه هر یک از این جشن‌ها راهی برای همدلی و اتحاد بین تمام ایرانیان است.

خانه‌ای هست مسجد مانند و موبدان موبد از بزرگان شهر و حتی خارجی‌ها را دعوت شایانی می‌کنند. در این آیین نوشیدنی و شیرینی و میوه زیاد چیده می‌شود و اول غروب آفتاب دو نفر موبد دو لاله روشن می‌کنند و بوته‌ها را با آن آتش می‌زنند و سرود ویژه می‌خوانند هنگامی که آتش زبانه می‌کشد همه‌ی میهمانان که بیش از چندین هزار نفر می‌شوند با فریادهای شادی دور آتش می‌گردند و این ترانه را می‌خوانند:

سد به سده، سی به گله پنجاه به نوروز

نوشیدنی می‌نوشند و میان هلهله‌ی شادی جشن تمام می‌شود.»

تمام جشن‌های ملی و باستانی ایرانی با درک اهمیت همبستگی و اتحاد، مردم را به فعالیت‌های جمعی و در کنار هم بودن تشویق می‌کنند. در کنار هم قرار گرفتن مردم از ادیان، سنین و نژادهای مختلف در جشن سده باعث می‌شود که تصویر بسیار زیبایی از همراهی شکل بگیرد. یکی از اقدامات مهمی که در جشن سده صورت می‌گیرد، کنار هم بودن مردم از اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و کمک کردن به هم در جمع‌آوری هیزم و راه‌اندازی آتشی بزرگ بوده است. این جشن دیدنی از سوی ایرانی‌های مقیم کشورهای مختلف هم با استقبال زیادی رو به رو می‌شود.

زرتشتیان ساکن سیدنی استرالیا هر ساله این مراسم را اجرا می‌کنند در سال ۱۳۹۹ نیز با رعایت شیوه‌نامه‌ی بهداشتی پیشگیری از کووید-۱۹، آیین نیاکانی جشن سده را پاس داشتند و به علت همه‌گیری کرونا تنها ۳۰ تن از زرتشتیان ساکن سیدنی گردهم آمدند، همراه با آوای اوستا و نیایش، آتش سده را برافروختند. برای جشن سده میز زیبایی چیده شد.



نهمین دوره مسابقات فوتسال جام تخت جمشید ملبورن استرالیا

عکس ها از: منیژه دلایلیان





معماری سنتی ایران و تکنولوژی های نوین استرالیا در بهره گیری از انرژی های سبز و پایدار

یاسمن عزیزی

به علت دمای نامناسب فضاهای داخلی در فصول مختلف مورد استفاده قرار می گیرند.

جایگاه استرالیا در استفاده از انرژی های تجدیدپذیر استفاده از انرژی های تجدیدپذیر مخصوصاً انرژی خورشیدی و بادی در راستای توسعه معماری پایدار در استرالیا از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم استرالیا با استفاده از پنل های سقفی خورشیدی، بخش زیادی از برق مورد نیاز خود را تأمین می کنند. آسمان صاف و دمای مطلوب از دلایل فراهم آوری شرایط مناسب برای تأمین بخش زیادی از انرژی از منابع خورشیدی در استرالیا می باشند.

بی شک سرمایه گذاری در این بخش، نوعی سرمایه گذاری بلندمدت هوشمندانه محسوب می شود و هرچقدر سهم انرژی های نوین از کل انرژی مورد نیاز یک کشور بیشتر باشد، بازتاب بیشتری در اقتصاد آن کشور خواهد داشت.

بر طبق گزارش منتشر شده توسط Australian National University در سال ۲۰۲۰، استرالیا پیشروترین کشور در جهان در تولید و استفاده از انرژی ها تجدیدپذیر می باشد و پس از آن کشورهای آلمان و آمریکا قرار دارند. میزان رشد استفاده از انرژی های تجدیدپذیر و توسعه بهره گیری از تکنولوژی های نوین آن در استرالیا، ۱۰ برابر میانگین جهانی است که این میزان رشد و توسعه، ۳ برابر سریعتر از آلمان به عنوان دومین کشور پیشرو در جهان است که در نوع خود دستاورد بسیار ارزشمندی برای استرالیا محسوب می شود. همچنین ۴۰ درصد از کل برق مورد نیاز کشور استرالیا، توسط توربین های بادی تأمین می گردد.

بر اساس گزارش منتشر شده توسط گاردین در سال ۲۰۲۰ بر اساس تحلیل ها و بررسی های شرکت مشاور انرژی و کربن RepuTex، استرالیا تا سال ۲۰۴۰ توانایی تأمین ۹۰٪ از کل برق مورد نیاز خود را از منابع

در شماره قبلی گلبانگ و بخش اول این مقاله، با وضعیت جهانی گرمایش زمین، تاثیرات محیطی و انسانی گرمایش زمین و راهکارهای ساده ای که می توان با تغییر در الگوی زندگی و مصرف خود برای تبدیل شدن به شهروندانی موثر با الگوی زندگی سبز به کار ببریم، آشنا شدیم.

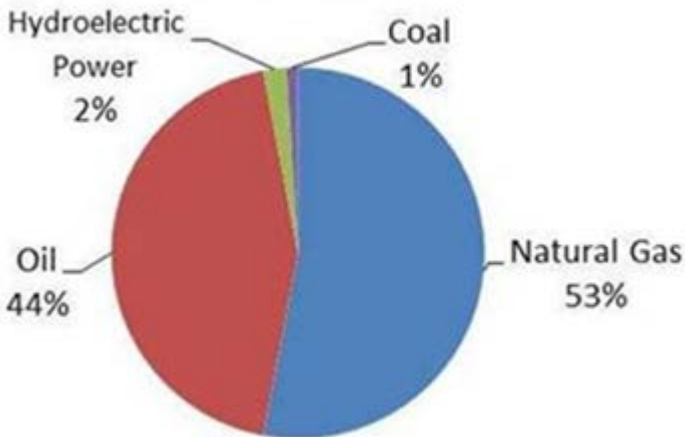
در بخش دوم این مقاله، به جایگاه فعلی استر شایسته و رفیع معماری سنتی و قدیم بناهای ایرانی در بهره وری از انرژی ها و معماری سبز و بهره گیری از ویژگی های اقلیمی در کاهش مصرف انرژی می پردازیم. ویژگی هایی که روز به روز به جای حفظ و گسترش آنها در معماری کنونی ساختمان های ایرانی، قدم در راه حذف آنها برداشته شده است. متأسفانه در کنار چنین معماری آگاهانه ای، شاهد ظهور معماری جدیدی هستیم که کاملاً با شرایط اقلیمی مناطق مخصوصاً مناطق گرمسیری ایران متناقض می باشد. خانه های ردیفی که از بتن، آهن و آجر ساخته شده اند. با حیاط هایی که به علت کوتاه بودن دیوارهایشان، از یک سو قادر به ایجاد سایه مناسب نمی باشند و نمی توانند از بنا، در مقابل وزش باد شدید و نور زیاد خورشید محافظت نمایند و شرایط نامساعدی برای ساکنین بوجود می آورند، به طور کلی بایستی بیان نمود که معماری جدید با شیوه ساخت ناهماهنگ با اقلیم از یک سو، موجب عدم آسایش ساکنین و از سوی دیگر با استفاده نامناسب از مصالح و افزایش مصرف انرژی فسیلی، معماری پایداری را که در گذشته وجود داشته، مد نظر قرار نداده است.

به کارگیری دیوارها و سقف های با ضخامت کم که در مقابل موقعیت خاص این منطقه، هیچگونه مقاومتی ندارد و همچنین استفاده از قیر سیاه رنگ بر روی پشت بامها که به علت تیرگی رنگ موجب افزایش دما در فصل تابستان و به جهت انتقال حرارت از طریق بام موجب کاهش دما در فصل زمستان در داخل خانه می شود و در نهایت به کارگیری وسائل گرم کننده با مصرف انرژی فسیلی و دستگاه های خنک کننده ای که





Total Energy Mix in Iran



ثبت شده در سراسر جهان است.

جایگاه ایران در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مقایسه جایگاه ایران با سایر کشورها در زمینه سهم انرژی‌های نوین از کل انرژی مصرفی بر حسب درصد - نمودار نشان می‌دهد در ایران کار چندانی برای استفاده از انرژی‌های نو انجام نشده است. قانون عضویت دولت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در ۱۴ خرداد ۱۳۹۱ از سوی رئیس‌جمهور ابلاغ شد.

انرژی‌های تجدیدپذیر شامل منابع متنوع و مختلفی بوده که از انرژی‌های طبیعی و قابل دسترس به وجود می‌آیند. این انرژی‌ها صورتی آرمانی ندارند اما استفاده از آن‌ها موجب کاهش مصرف فرآورده‌های نفتی و اشتغال زایی شده و میزان آلاینده‌گی محیط زیست را نیز کاهش می‌دهد. چشم‌انداز استفاده از این انرژی در کشور ما نیز همانند سایر کشورهای توسعه یافته از اهمیت قابل توجهی برخوردار است در نتیجه با توجه به سیاست‌های جهانی، توسعه این انرژی‌ها در کشور ما به منظور حل مشکلات و ایجاد اشتغال اجتناب ناپذیر خواهد بود و توسعه استفاده از انرژی‌های نو می‌تواند

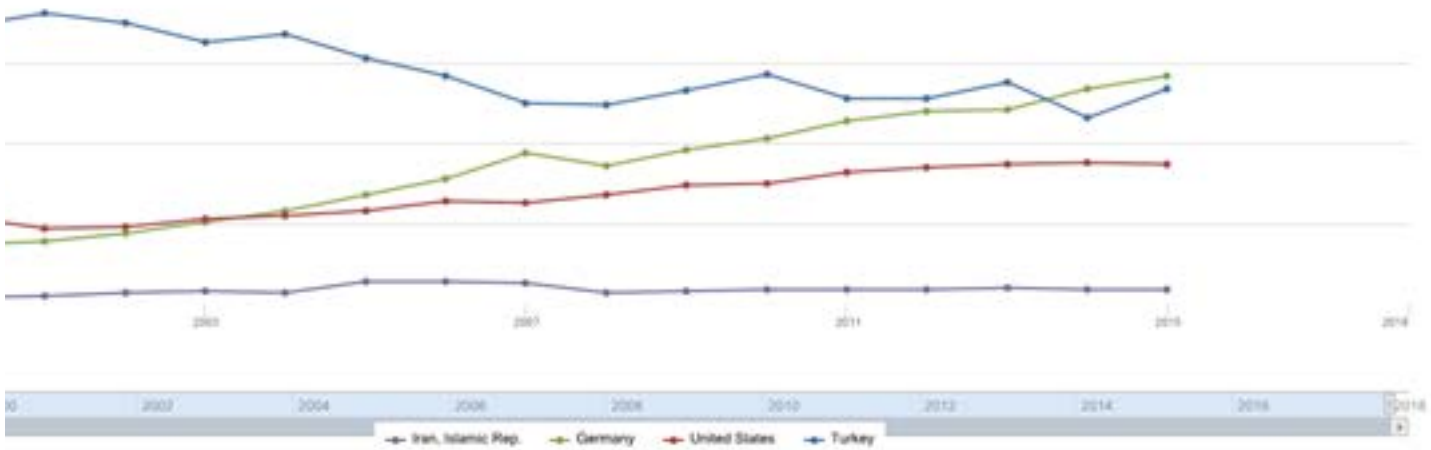
انرژی تجدیدپذیر بدون افزایش هزینه انرژی دارد.

بر اساس گزارش تهیه شده توسط خبرگزاری ABC در ژانویه ۲۰۲۱، استرالیا بزرگترین باطری لیتیوم-یون جهان را در سال ۲۰۱۷ در ایالت استرالیای جنوبی با هدف تقویت سیستم برق رسانی کل کشور نصب کرد و تا سال ۲۰۳۲ باطری دیگری با چهار برابر ظرفیت فعلی در بزرگترین نیروگاه استرالیا به نام The Eraring plant واقع در ایالت نیوساوت ولز نصب خواهد کرد که جایگزین سوخت زغال سنگ برای تامین انرژی این نیروگاه می‌شود.

به گزارش Renew Economy در آوریل ۲۰۲۰، محققان دانشگاه موناخ ملبورن با همکاری شرکت Viridian Glass، یکی از بزرگترین شرکت‌های تولیدکننده شیشه در استرالیا، و سرمایه‌گذاری آژانس انرژی‌های تجدیدپذیر استرالیا موفق به ساخت پنجره‌های خورشیدی شده‌اند که قادرند علاوه بر عبور دادن نور خورشید، برق خانه را نیز از این نور به رایگان تامین نمایند. ساختار این پنجره‌ها با بهره‌گیری از سلول‌های خورشیدی است که پیش از این تنها در پنل‌های خورشیدی روی سقف خانه‌ها استفاده می‌شد. جنس این سلول‌های نیمه شفاف خورشیدی از یک ماده آلی نیمه رساناست که می‌توان آن را تبدیل به پلیمر کرد. این کشف در کاهش مصرف انرژی مسکن‌های عمومی و آسمان خراش‌ها بسیار موثر است.

بهره‌گیری از انرژی خورشیدی در ایالت استرالیای جنوبی از محبوبیت بالایی برخوردار است. بر اساس گزارش منتشر شده در اکتبر ۲۰۲۰ توسط Clean Technica، برای نخستین بار در جهان، کل برق مورد نیاز ایالت استرالیای جنوبی در تاریخ ۱۱ اکتبر برای مدت زمان یک ساعت به طور ۱۰۰ درصد از منابع خورشیدی تامین شد. با ادامه این روند، منابع خورشیدی پشت بامی در ایالت استرالیای جنوبی قادر خواهند بود به تنهایی ۱۰۰ درصد تامین برق مورد نیاز منازل را انجام دهند و تقاضا برای شبکه برق رسانی را به صفر برسانند.

تاکنون انرژی هیچ منطقه‌ای در ابعاد ایالت استرالیای جنوبی به طور کامل توسط منابع خورشیدی تامین نشده بوده است و این رکورد بهترین رکورد





نقش بسزایی در افزایش درجه امنیت سیستم انرژی کشور ایفا نماید. همچنین بسیاری از گروه‌های دانشجویی از جمله دانشکده مهندسی دانشگاه تهران در پی ساخت خودروهای خورشیدی هستند که با سلول‌های خورشیدی کار می‌کنند و می‌تواند سرعت بالایی در مدت زمان طولانی را ارائه دهد.



معماری ایرانی که ابتدا در محدوده‌ی فلات ایران و سپس در حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی شکل گرفت، همچون همه‌ی معماری‌هایی که ریشه در فرهنگ بومی دارند، به اقلیم توجه داشته و تا پایان دوره‌ی قاجار آثار با ارزشی از خود به جا گذاشته است.

بررسی نمونه‌های به جا مانده نشان می‌دهد حتی رنگ‌های به کار رفته در تزیینات ساختمان‌ها متأثر از ویژگی‌های اقلیم گرم و خشک بوده اند. مصالح ساختمان‌ها، علاوه بر توانایی‌های سازه‌ای و توجه به مسائل اقتصادی و تأمین مصالح از نقاط نزدیک، بهترین شکل بهره برداری از انرژی محیط بری را نشان می‌دهند. سازه‌های طاقی در این بناها نشان دهنده‌ی رابطه‌ی اقلیم و معماری هستند.



حتی در نقوش تزیینی رد پای خورشید را به عنوان مهمترین عامل اقلیمی در نقوشی با نام شمشه و چرخ خورشید می‌توان دید. در ادامه، به بررسی فضاهایی در معماری قدیم ایران می‌پردازیم که به طور مشخص به دلیل ویژگی‌های اقلیمی شکل گرفته‌اند و اقلیم در آنها موضوع اصلی بوده است. نام اغلب این فضاها از همین ویژگی اقلیمی آنها گرفته شده است، مانند بادگیر، اتاق کرسی، زمستان نشین، سردابه و ...

حیاط نارنجستان

در کتاب فرهنگ مهرازی ایران، نارنجستان چنین تعریف شده است: میان سرایی که می‌توان آنرا سر پوشیده کرد و در باغچه‌ی آن درختان نارنج و غیره پرورش داد.

حیاط نارنجستان حیاطی کوچک در مجموعه‌ی اندرونی بوده که علاوه بر تأمین نور فضاهای اطراف، امکان نگهداری گیاهانی را که نسبت به یخبندان شب‌های زمستان مناطق کویری حساس هستند فراهم می‌کرده است. ابعاد کوچک آن و مجاورت با طاق‌ها و توده‌های ساختمانی که در طول روز با انرژی خورشید گرم می‌شدند موجب می‌شده که با تخلیه‌ی این انرژی در طول شب، دمای فضای محدود حیاط بالای صفر حفظ شود، و حتی در برخی موارد این حیاط‌ها سقفی با یک سوراخ بزرگ در مرکز دارند که در زمستان‌های خیلی سرد امکان پوشاندن آن با پارچه و جود داشته است.

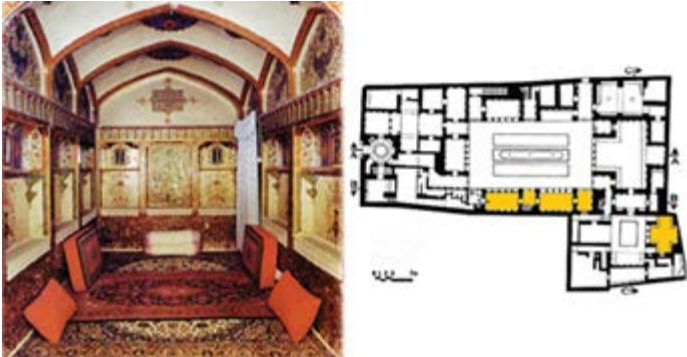


این حیاط‌ها به ندرت در محورهای اصلی بنا و بیشتر در گوشه‌ها و فضاهایی که مشکل نورگیری داشتند ساخته می‌شدند. الگوی معمولی آنها مربع ۹ قسمتی است که در هر وجه آن یک فضای سه دری قرار می‌گرفته یا هشت ضلعی بوده‌اند. در برخی موارد با گوشه سازی، نوعی گنبد ناقص روی آنها ساخته می‌شده، تزیینات این فضا که تحت تأثیر تزیینات اتاق‌ها و فضاهای جانبی هم بوده، آجرکاری یا آجر لعاب دار بوده است.



فضاهاهایی که در وجه شمالی حیاط ساخته می‌شوند تا از آفتاب زمستان که با زاویه ای مایل به درون اتاقها می‌تابد استفاده کنند، گفته می‌شود اما مجموعه‌ی معینی از فضاها با رابطه‌ی خاص، مجموعه‌ی فضاها ی زمستان نشین را تشکیل می‌دهند که عبارتند از سه دری، پنج دری و شکم دریده، که روی محور اصلی قرار می‌گرفته‌اند و دو فضای ارتباطی که می‌توانند راهرو یا تختگاه باشند و گوشواره‌هایی که از سه دری، اتاق ارسی یا تهرانی و اتاق دو دری تشکیل شده‌اند و گوشه‌هایی این بخش را تشکیل می‌دهند.

فضای اصلی زمستان نشین روی محور اصلی قرار گرفته و برای ورود بیشتر نور خورشید اغلب پنجره‌های آنرا از ارسی‌های بزرگ می‌ساخته‌اند. داخل فضاها ی مرکزی با توجه به بسته بودن فضا، تزئینات پیچیده‌ای چون قطارهای مقرنس و آیینه کاری‌های بسیار پیچیده دیده می‌شود.



تابستان نشین

تابستان نشین نیز موقعیتی مانند زمستان نشین دارد با این تفاوت که در وجه جنوبی حیاط قرار گرفته است تا در تابستان از تابش مستقیم آفتاب در امان بماند و روی محور اصلی آن معمولاً فضای نیمه باز با تالار قرار می‌گیرد.

این تالارها و ایوان‌ها جز در مواقع بسیار سرد سال مهمترین فضایی زندگی در خانه بوده‌اند، و اگرچه همیشه تزئینات داشته‌اند، اما با توجه به باز بودن و نفوذ گرد و خاک، از تزئینات بسیار پیچیده در آنها پرهیز و به نقوش ساده‌ی گچی در ترکیب با آجر یا سیم گل قناعت می‌شده است. حسینیه‌ی خانه‌ی بروجردی‌ها که فضای بسیار پیچیده با تزئینات ترکیبی کم نظیری در تابستان نشین آن دیده می‌شود، از نمونه‌های استثنایی این مجموعه فضا است. در شهرهای سرد سیری چون تبریز، زنجان، اردبیل، عملاً وجه تابستان نشین از بنا حذف شده و فضای نیمه باز ایوان را هم ندارند.

گودال باغچه

گودال باغچه یا باغچال در وسط حیاط مرکزی ساخته می‌شده و یک طبقه در داخل زمین فرو می‌رفته است. نمونه‌های این فضا در اقلیم‌های بسیار خشک کویری از جمله در کاشان، نایین و یزد دیده می‌شود. گودال باغچه علاوه بر تأمین خاک مورد نیاز خشک‌های استفاده شده در بنا، امکان دسترسی به آب قنات را هم فراهم می‌کرده است. این مساله، در شهرهایی مثل نایین که یک شبکه‌ی پیچیده‌ی قنات داخل شهر داشته‌اند بسیار مهم بوده است. بنابر این معمولاً در گودال باغچه آب روانی می‌بینیم که حوض میانی را پر می‌کرده و سر ریز آن به خانه‌های دیگر می‌رفته است. در حاشیه‌ی این حیاط اغلب رواق و گاه چند اتاق به شکلی نیمه باز ساخته می‌شده و کاشت درخت انار، پسته و انجیر در این گودال باغچه‌ها مرسوم بوده است. با توجه به کوچکتر و پایین‌تر بودن این حیاطها و استفاده از رطوبت و خنکی زمین، علاوه بر رطوبت گیاهان و خنکی آب، در واقع فضایی به مراتب اقلیمی‌تر از حیاط شکل می‌گرفته است.

گودال باغچه‌ی خانه‌ی پیر نیا در نایین و مسجد مدرسه‌ی آقا بزرگ در کاشان نمونه‌های خوبی از این فضاها هستند. معماری خانه طباطبایی‌ها به شیوه گودال باغچه متقارن و درون‌گرا است، در کویر خانه‌ها را گود می‌ساختند تا بنا عایق حرارت و صدا بوده و دسترسی به آب قنات هم راحت‌تر و در مقابل زلزله مقاوم‌تر باشد.

بام

بام در معماری ایران به جرأت بخشی از فضای زندگی است و علاوه بر وجود حجم‌های پیچیده و زیبا، به عنوان حیاط هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در شهرهایی چون نایین در برخی از بناها با دیوارهای صندوقه چینی شده، اطراف بام را تا حدود یک متر و نیم بالا آورده و نوعی حیاط در بام بوجود می‌آوردند که در شب‌های تابستان برای خواب استفاده می‌شده است. همچنین این دیوارها با سایه اندازی بر بخشی از بام در ساعات مختلف روز نقش اقلیمی ثانویه ای نیز داشته‌اند. چنین فضاهایی در مساجد نیز مورد استفاده بوده است. در مسجد سپهسالار در بالای بام وضوخانه‌ای که چهل ششیر نام دارد، این فضا به همین شکل وجود دارد. نمونه‌ی دیگر خانه‌ی عباسیان کاشان با چنین حیاطی در بام است که در آن معماران با قاب بندی‌های ظریف از مشبک آجری، امکان تهویه را نیز فراهم آورده‌اند.

سرابستان

باغ کوچکی بوده که کنار خانه ساخته می‌شده و تأثیر اقلیمی زیادی بر خانه داشته است. نمونه‌ی بسیار خوب آن در کنار خانه‌ی پیر نیا در نایین در قسمت جنوبی حیاط وجود دارد، در واقع متمولین با ساختن چنین فضایی نوعی بیلاق در کنار خانه‌ی خود بوجود می‌آورده‌اند.

زمستان نشین

اگرچه زمستان نشین پیش از آنکه نام فضای معینی باشد، به همی

شکم دریده دارد. که با توجه به استفاده‌ی این اتاق در شب و در بخش های خصوصی خانه تزیینات مفصلی ندارد.

در خانه‌ی پیرنیا در ناین این اتاق با استقرار در محور اصلی، تزییناتی بسیار ظریف با لایه کاری گچی دارد. پایاب

پایاب واژم‌ای است فارسی و حداقل تاریخی هزار ساله دارد. پایاب سازه‌ای است برای دسترسی آسان انسان به گذرگاه زیر زمینی آب قنات و عبارتست از کوره‌ای به صورت مورب که از سطح زمین به قنات گشوده شده و با پله‌هایی به کوره وصل می‌شود.

نکته اقلیمی، هوای بسیار خنک آن در تابستان به علت ویژگی ساختمان زیر زمینی و مجاورت با آب کاریز است که علاوه بر استفاده به عنوان یخچال برای نگهداری مواد غذایی، در مواردی برای خواب نیم روزی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

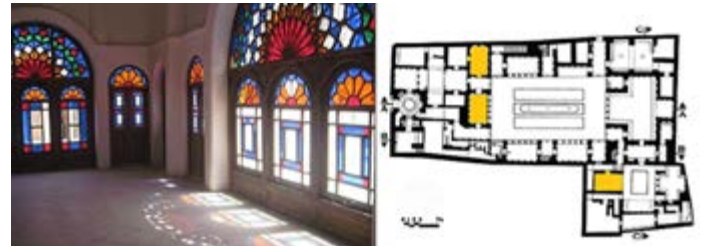
(دمای محیط در تمامی فصول سال تقریباً ثابت و حدود ۲۸ و ۲۹ درجه می‌باشد).

پایاب در حیاط خانه‌ها و مساجد قرار دارد و برای تامین آب آشامیدنی، تجدید وضو، شستشوی لباس، آرام بخشی و تامین آسایش ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نمونه‌های عمومی آن نیز در شهرهایی همچون ناین به چشم می‌خورد. الگوی معمول آن هشتی است که با اتاق ترکی یا کلمبه پوشانده و در مسیر قنات در مرکز آن یک حوض ساخته می‌شود. نکته اقلیمی، هوای بسیار خنک آن در تابستان است که علاوه بر استفاده به عنوان یخچال برای نگهداری مواد غذایی، در مواردی برای خواب نیم روزی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

پادیو حیاط دور بسته‌ای که حوض یا جوی آب در میان داشته باشد، گودال باغچه (به فرانسوی پاسیو گفته می‌شود) در فارسی کهن و میانه به معنی طهارت، شستشو و نیز جایگاهی برای شستشو است پادیابو با همه ی ویژگی‌هایش بعد از اسلام در پیش مساجد و زیارت گاه‌ها به نام وضوخانه جای گرفت.

احتمالاً می‌توان بین پایاب و پادیابو رابطه ای برقرار کرد، فضایی که به گفته‌ی استاد پیرنیا با مهاجرت به اروپا پاسیو را بوجود آورده است.



بهار خواب

این فضا همان مهتابی است و در مناطقی از خراسان تخ بوم (تخت بوم) نیز نامیده می‌شود. این فضای بدون سقف در مجاورت حیاط و در طبقات بالاتر از اول ساخته می‌شود و شب‌های تابستان در آن می‌خوابند و بسته به محل استقرار آن، در ساعاتی که دیوارهای اطراف بر آن سایه‌ی مناسب می‌اندازد از آن استفاده می‌شود. در بهار و پاییز در تمام ساعات روز و در تابستان شب‌ها قابل استفاده بوده است.

این فضا در دوره‌ی قاجار به مسجد مدرسه‌ها نیز راه یافت و نمونه‌های زیبایی از آن را در مسجد سید اصفهان، مسجد سلطانی سمنان و مسجد سپهسالار تهران می‌توان دید و در مناطق گرم و مرطوب چون دزفول و شوشتر جزء جدایی ناپذیر خانه‌های مسکونی است. تزیینات رایج این فضا از جنس تزیینات نمای رو به حیاط است.



اتاق کرسی

این اتاق در مجموعه‌ی زمستان نشین و اغلب در گوشه‌های این بخش که در و پنجره‌ی کمتری به حیاط دارند، ساخته می‌شده تا در زمستان با بستن در و پنجره‌ها بتوان آنرا گرم کرد. در وسط اتاق، چال کرسی قرار داشته و ابعاد اتاق تابع ابعاد کرسی بوده، چون دیواره‌های آن برای تکیه دادن مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. این فضا در همه خانه‌های اقلیم سرد و کوهستانی وجود دارد. این اتاق در مناطق پر شیب در پشت اتاق‌ها و داخل کوه‌کنده می‌شده و فاقد پنجره بوده است. این بخش در خانه‌هایی که حیاط بیرونی داشتند، گاه روی محور اصلی که شکم دریده یا چلیپا بوده نیز قرار می‌گرفته است. در خانه‌ی حیدرزاده تبریز اتاق کرسی الگوی



گنبدی و فاقد سازه است. شوادان ها عملاً تزئیناتی ندارند و اغلب الگوی فضای مشخصی در آنها دیده نمی‌شود، اما در نمونه های عالی الگوی شکم دریده یا چلیپا دارند (تصویر ورودی و داخل یکی از قدیمی ترین شوادان



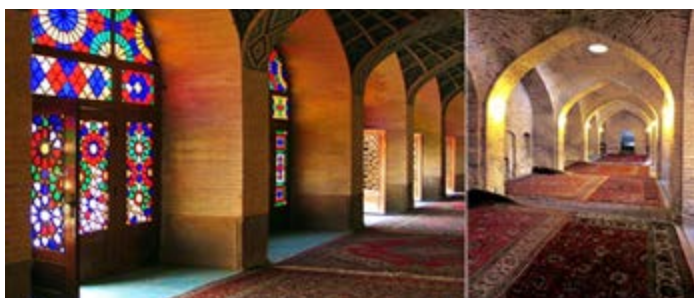
های دزفول، خانه قلمبر)

شبستان

این فضا در مساجد به عنوان نماز خانه در دو طرف گنبد خانه یا اطراف ایوان ها شکل می گیرد و معمولاً در زمستان بیشتر استفاده می‌شود. شبستان قسمتی است از مسجدهای بزرگ که دارای سقف است. شبستان‌ها فضاهای سرپوشیده و دارای ستون‌های یک شکل و موازی‌اند که از یک طرف به صحن مسجد راه دارند.

به زیر زمین خانه های شوش‌تر و دزفول هم شبستان گفته می‌شود که معمولاً حدود ۱/۵ تا ۲ متر در زمین فرو رفته و پنجره هایی به حیاط دارند و حد فاصل شوادان و طبقه ی اول‌اند.

از این فضا در ساعاتی از روز در تابستان و در بهار و پاییز و در مواردی به عنوان انبار نیز استفاده می‌شود. سازه و تزئینات آن آجری و پلان آن امتداد پلان طبقه ی اول است. همچنین شبستان مکانی بود درخانه ی پادشاهان قدیم که خلوت‌خانه و حرم‌سرا و خوابگاه آنان به‌شمار می‌آمد. در دوره ی قاجار در ایران شبستان را اندرون، اندرونی و زنانه می‌گفتند، در این صورت تزئینات پیچیده تری داشته‌اند.



نمونه‌های عالی پایاب در مسجد جامع نایین، مسجد جامع نطنز، مسجد جامع یزد و خانه های تاریخی یزد از جمله خانه ای که امروز به هتل کهن کاشانه تبدیل شده دیده می‌شود.

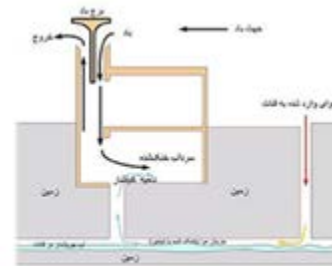
حوض خانه و سرداب

سرداب یا سردابه خانه‌ای است که در زیر سطح زمین سازند تا در گرما به آن پناه برند و آب و مواد غذایی در آنجا نگاه می‌دارند تا خنک ماند.

سرداب‌ها معمولاً با بادگیرها و قنات خنک می‌شده‌اند.

اگرچه گاه به تالار اصلی تابستان نشین نیز گفته می‌شود، اما به طور مشخص زیرزمینی است که در زیر تابستان نشین ساخته شده و مانند ایوان، فضایی نیمه باز است و اغلب یک حوض نیز دارد. در خانه عباسیان کاشان، نمونه های عالی حوض خانه و سرداب وجود دارد. در کاشان فضاهای بسیار متنوعی با عنوان حوض خانه در طبقه همکف یا زیر زمین یا در گوشه ها به چشم می‌خورد. در این شهر به زیرزمین های گود که در زیر هر یک از وجوه ساختمان مخصوصاً تابستان نشین ساخته می‌شود و اغلب الگوی شکم دریده دارند، سرداب می‌گویند. در شهرهایی چون تبریز که فاقد تابستان نشین هستند، حوض خانه در زیر فضای اصلی زمستان نشین با در و پنجره ساخته می‌شود.

در کاشان فضاهای حوض خانه و سرداب معمولاً تزئینات یزدی بندی و با مصالح گچ یا سیمبل دارند. در مقابل در تبریز تزئینات آجری مخصوصاً با آجرهای رنگی و استفاده از کاربردیهای پیچیده در مرکز فضا بسیار رایج است. مهمترین الگوی مورد استفاده در حوض خانه ها، شکم دریده است. معمولاً امتداد بادگیرها به این فضا می‌رسد و عبور باد از روی آب حوض، هوایی لطیف در این فضا بوجود می‌آورد.



فرآیند خنک شدن سرداب با بادگیر

شوادان

با توجه به ویژگی خاک این دو شهر، شوادان معمولاً فاقد مصالح بنایی است و حداکثر در مواردی بخش هایی از دیواره ی آنرا با گچ می‌پوشانند و فقط در کفسازی و ساخت پله‌های آن آجر به کار رفته است. سقف آن



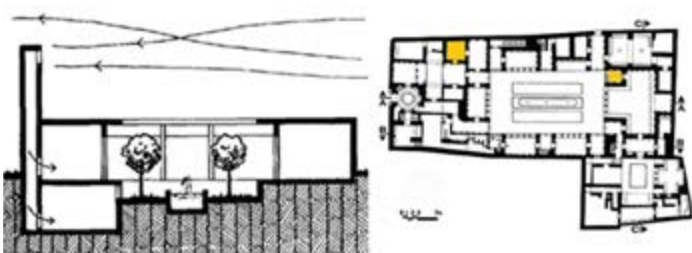
کنده

فضایی است که دردل زمین کنده شود. نمونه های عالی آن روستای کندوان در اسکو و میمنداند ولی در بسیاری از خانه های کوهستان، قسمت های پشتی فضا را به شکل پستو در دل زمین می کنند که کیفیت اقلیمی بسیار مناسبی در زمستان و تابستان بوجود می آورد و گاهی به عنوان اتاق کرسی نیز استفاده می شود.



اتاق بادگیر

اتاق بادگیر به هر فضایی در طبقه اول تابستان نشین که از هوای بادگیر استفاده کند گفته می شود. تزیینات این فضا همچون تزیینات ایوان است. در تابستان نشین خانه های حاشیه کویر یا حاشیه دریای جنوب، علاوه بر تالار اصلی، در برخی موارد گوشواره ها نیز از جریان هوای بادگیر استفاده می کرده اند.



شناسیل یا شناشیر از عناصر معماری بومی سواحل خلیج فارس است که عاملی مهم در معماری اقلیمی خانه های بوشهر به عنوان حلقه ای از برونگرایی و درونگرایی محسوب می شود. شناسیل به معنای بالکن چوبی کرکره دار که جلو پنجره های طبقات فوقانی خانه ها قرار دارد و یا بالکن مشرف به حیاط یا کوچه می باشد.

شناسیل نمایی از خصوصیات معماری دوره عثمانی را جلوه می دهد، به این صورت که تا اندازه ای فضای خانه را به سوی خارج می گشاید و شبکه های چوبی آن نیز امکان رخنه نسیم دریا را به اندرون فراهم نموده و خود نیز چون سایه بانی بر کاهش دما در اندرون اتاق ها نقش ایفا می کند. عملکرد

شناسیل دارای چند کارکرد مهم است: در خانه های کنار ساحل جنوب می توان به وسیله شناسیل از منظره ی زیبای دریا (خلیج فارس) استفاده کرد. شناسیل های داخلی که در یک یا چند جبهه ی طبقات بالا و مشرف به حیاط ساخته شده اند، رابط فضاهای مختلف نیز می باشند. در طبقات بالا طارمه های میانی و دیگر انواع طارمه ها ارتباط موضعی بین چند فضا را مقدور می سازند، ولی برای گذر از یک قسمت به قسمت دیگر باید از داخل اتاق ها گذر نمود. در این حالت می توان از شناسیل به عنوان معبری بدون ورود به اتاق ها استفاده کرد. به جای نرده های ساده ی چوبی یا فلزی شناسیل، از بازشوها و جداره های چوبی ثابت مثل کرکره نیز استفاده شده که این جداره های مشبک، گذر نسیم و بادهای مطبوع را میسر می کرده است. بدون آنکه از بیرون فضای داخل دیده شود، می توان از داخل کوچه را مشاهده کرد و همچنین مانع خوبی در برابر تابش مستقیم آفتاب بوده است. بعضی از کرکره ها متحرکند و رو به بیرون باز می شوند و شیب کرکره از بالا به پایین است.

ویژگی ها

شناسیل به دو صورت مسقف و بی سقف ساخته شده است. در نوع مسقف دار، پوشش بر روی ستون های کم قطر چهار تراش تکیه می کند. پوشش چوبی یا به صورت پیوسته روی کل آن و یا به شکل غیر پیوسته و فقط روی بازشوهای اتاق ها قرار گرفته است.

از زیبایی های چشم نواز بافت قدیم بوشهر، بالکن های چوبی یا شناسیل است که به صورت زیبایی از بدنه ساختمان ها بیرون زده و ویژگی آن دید از درون بالکن است.



تاریخ ایران

فرزاد افراسیابی

نباشد دستور داد تا برادر کوچکترش بردیه را که ممکن بود مدعی تاج و تخت شود به قتل برسانند. قتل وی در خفا انجام گرفت بطوری که مردم ممکن بود بردیه را زنده تصور کنند و چنین پندارند که در ایران باقی مانده و قطعاً در لشکرکشی برادر شرکت نشسته است.

کمبوجیه در سال ۵۲۶ پیش از میلاد به سوی مصر حرکت کرد و لشکریان وی از طریق خشکی راه می‌پیمودند و از کشتی‌ها نیز استفاده می‌کردند. در میان لشکریان وی گذشته از پارسیان عده‌های سرباز مزدور یونانی نیز وجود داشت.

اماسیس پادشاه مصر پیش از آغاز تصادفات جنگی درگذشت و تاج و تخت فراغه بدست پسامتیخ سوم افتاد.

نخستین نبرد ایرانیان و مصریان در جوار پلوزیوم که شهری از تنگه سویز و بر کرانه دریای مدیترانه بوده است وقوع یافت.

محاصره پلوزیوم که کلید مصر برای خروج و دخول شمرده می‌شد بسبب پایداری مصریان و یونانیان که آلات و اسلحه پرتابی را بکار می‌بردند به درازت کشید. ایرانیان از خشکی و دریا حمله می‌کردند و تسخیر پلوزیوم راه را به روی ایشان گشود.

در ممفیس نیز پایداری شدیدی در برابر ایشان به عمل آمد و با اشغال آن شهر تسخیر مصر تا الفانتین تحقق یافت. ناراضی‌های اعیان مصر از سیاست‌های اماسیس نیز اهمیت فراوان داشت و این‌ها نیز به کمبوجیه یاری کردند. خیانت یکی از ثروتمندان مصر بنام اودزاگورسنت که فرماندهی ناوگان جنگی را هم به عهده داشت هم امر تصرف مصر را برای کمبوجیه آسانتر ساخت.

این نماینده اعیان و کاهن مصری چنین می‌نویسد:

هنگامی که پادشاه بزرگ و سلطان همه کشورها کمبوجیه وارد مصر شد او بر سراسر پهنه این کشور سلطنت کرد و لشکریان را در آنجا منزل داد. او پادشاه بزرگ مصر و فرمانروای تمام کشورها بود. کمبوجیه پس از تصرف مصر در اندیشه فتوحات بیشتر بطرف کرانه شرقی آفریقا بود ولی لشکریان گرمای وحشتناک و کمبود آب را نتوانستن تحمل کنند و بازگشتند.

هنگام این لشکرکشی ۵۲۴ تا ۵۲۳ پیش از میلاد اندک اندک خبرهایی به مصر رسید که در ایران قبایل عاصی شده و مردی خود را بردیه برادرمقتول کمبوجیه می‌خواند. این شخص گیوماتای مغ بود. در انزمان اعیان محلی مصر نیز به جنبش در آمدند و اغتشاشاتی در آنجا بروز کرد. کمبوجیه که سخت متغیر شده بود سران عاصی مصر و بعضی نمایندگان اعیان را که اخبار نهضت ایران ایشان را بر انگیخته بود گوشمالی سخت داد و بیرحمانه تنبیه و قلع و قمع کرد. کمبوجیه پس از فرونشاندن قیام مصر راه بازگشت در پیش گرفت ولی به عللی که معلوم نشده در راه درگذشت. مورخان درباره مرگ او روایات گوناگون نقل می‌کنند:

بعضیها می‌گویند که وی عالماً و عامداً خودکشی کرد، عده‌های می‌نویسند

سیاست کورش سیاست یک رجل بزرگ سیاسی بود و وی فتوحات دیگری هم در نظر داشت و بدین سبب حفظ صلح با کاهنان و نمایندگان قشرهای عالی مردم بابل برای وی واجد اهمیت خاص بود. کورش امپراتوری ایران را تا مرز مصر توسعه داد، ولی با توجه به سازمان مرتب مصر و نیروی پادشاه آن اماسیس از این امر منصرف شد. با فلسطین مناسبات دوستانه برقرار کرد و شهرهای فنیقی را مورد عنایت قرار داد. تصادف محض نبود، اینان می‌بایست در جنگ آینده علیه مصر متحد و نزدیکترین تکیه‌گاه وی باشند.

مرزهای کشور بزرگ ایران بویژه نقاط شمال خاوری فلات ایران دائماً مورد تاخت و تاز قبایل چادر نشین بربریان سکایان و ماساگت بود و کورش لازم بود از این سوء دفع خطر شود تا بتوان سیاست فعالانه‌ای را در باختر تعقیب کند و قبایل اسکان-یافته فلات ایران را از غارت چادر نشینان مصون داشت.

هرودوت نبرد قطعی ایرانیان را با بربریان جنگجو چنین شرح می‌دهد: نخست دو لشکر از مسافت دور با کمان برطرف یکدیگر تیر اندازی می‌کردند و سپس همین که تیرهایشان تمام شد به جنگ تن به تن پرداخته با نیزه و شمشیر نبرد کردند، هسته مرکزی لشکریان کورش را پیادگان بیمانند پارسی که از لحاظ شهامت و پایداری ممتاز بودند تشکیل می‌داد. ماساگت‌ها از سپاهیان سواره استفاده می‌کردند. اینان ابری از تیر بر دشمن می‌باریدند و از جنگ تن به تن پرهیز می‌نمودند تا اینکه تفوق عددی را حایز گشته ضربه قطعی را وارد آورند.

کورش در این نبرد که در یکی از مرزهای دوردست کشور وی وقوع یافت کشته شد، وی را در موطن گرامیش پاسارگاد به خاک سپردند.

ایران در عهد پادشاهی کمبوجیه

در بابل اسنادی بدست آمده که به نام کورش و کمبوجیه تنظیم گشته و وی هنگام آخرین لشکرکشی بد فرجام خویش علیه قبایل ماساگت‌ها که از آن بازنگشت نیز کشور و پادشاهی ایران را به کمبوجیه سپرد. خلف کورش سازمان دهنده و سردار جنگی و اداره کننده بزرگترین امپراتوری زمان خویش بود و آرزوی توسعه بیشتر آن را در سر می‌پروراند.

امنیت نسبی مرز خاوری که به نحو احسن توسط کورش مستحکم شده بود به کمبوجیه اجازه داد که نقشه پدر را مجری کرده و به سوی مصر که بر اثر قدمت تاریخ و ثروت فراوان مشهور جهان بوده لشکرکشی کند. دولت یهودی فلسطین و بلاد فنیقی متحدین وی بودند. ضمناً کمبوجیه باری قبایل عرب را که در صحراها و بیابانها در سیر و حرکت بوده بر سر راه لشکریان ایران به سوی مصر قرار داشتند جلب و تامین نمود. اعراب می‌بایست به لشکریان ایران هنگام عبور ایشان از صحرای سینا آب آشامیدنی برسانند. مردم شهرهای کرت و ساموس نیز مساعد وی بودند.

کمبوجیه برای آلودگی خاطر خویش و این که هنگام لشکرکشی ناراحت

که سوار اسب شده بود و ران پایش مجروح گشت و پس از بیست روز از آن زخم جان سپرد. ولی به احتمال قوی او را بقتل رساندند. وقایع ایران نتیجه عیبت متد شاه و نارضایتی کاهنان و اعیان ماد از تنزل مقامشان که پس از برقراری سلسله پارسی هخامنشیان وقوع یافت بوده. ارتش مطیع و متشکل تکیه گاه هخامنشیان بود. گیوماتای مغ و برادر وی در راس نهضت بودند.

نواحی پارس نیز به سرزمین‌های عاصی ماد پیوستند. کاهنان و اعیان پس از در دست گرفتن حکومت، سرزمین ماد را به دولت و کشور مستقلی بدل ساختند اینان یرحمانه توده‌های مردم را تحت فشار قرار دادند و مراتع و اموال عمومی متعلق به جماعات روستاییان را تصاحب کردند. سرزمین‌هایی که بدست پادشاهان و سردارانی چون کورش و کمبوجیه متحد شده بودند مجری گشتند و به صورت دولتهای مستقل در آمدند، باری دولت بزرگ ایران دچارت از هم پاشیدگی شد. داریوش سردار جوان که به خانواده سلطنتی هخامنشیان منتسب بود موفق شد تا بار دیگر کشورها را در زیر لوای یک پادشاهی متحد سازد. روایت هست که پس از مرگ کمبوجیه هفت تن از سران یا فرماندهان نظامی ایران که نماینده هفت خاندان اعیان که هسته مرکزی قبایل فارس را تشکیل می‌دادند در راس لشکریان در حال بازگشت قرار گرفتند. از آن جمله بود داریوش که در ظرف مدت کمی بسبب خویشاوندی نزدیک با خانواده شاهی مقام اول را احراز نمود.

دوران فرمانروایی داریوش اول

داریوش در کتیبه مشهور میخی بیستون درباره خویش چنین نوشت: از پدر وی در شمار نزدیکان کورش دوم یاد شده است و خود او هنگامی که جوان بیست ساله بود در لشکر کشی آن پادشاه علیه چادر نشینان شمالی شرکت جست و به سمت رییس نگهبانان ویژه کمبوجیه همراه او به مصر رفت.

داریوش ماد را فرمانبردار خویش کرد و گیوماتا یا بردیه دروغین را کشت. در کتیبه یادشده بیستون در اینباره چنین می‌گوید:

کمبوجیه برادری داشت به نام بردیه از یک مادر و یک پدر با کمبوجیه، پس کمبوجیه آن بردیه را کشت. هنگامی که کمبوجیه بردیه را کشت مردم نمی دانستند بردیه کشته شده است. پس کمبوجیه رهسپار مصر شد، در غیبت پادشاه مردم دشمنی ورزیدند و پس دروغ در کشور فراوان شده هم در پارس و هم در ماد وهم در دیگر کشورها، آنگاه گیوماتای مغ برخاست او به مردم چنین دروغ گفت: من بردیه پسر کورشم و برادر کمبوجیه. پس مردم همه از کمبوجیه روی برگرداندند و به او گرویدند. هم پارس و هم ماد و هم دیگر کشورها گیوماتا مغ شاهی را تصاحب کرد و هیچکس از پارسی و ماد از خانواده هخامنشی نبود که پادشاهی را از گیوماتا پس بگیرد. ولی داریوش به این اقدام خطیر دست زد. داریوش میگوید: من با کسان معدود آن گیوماتا را کشتم و نخستین کسانی را هم که فدایی او بودند. سپس داریوش پادشاهی را که از خانواده هخامنشی منتزع شده بود احیا کرد و اقداماتی به عمل آورد تا عامه مردم را به سوی خود جلب کند. پارس و ماد را احیا کرد و کوشید تا خانواده هخامنشی را

به حال اول برگرداند.

معهدا در اطراف و اکناف ایران شورشها و اغتشاشات به وقوع می پیوست و شاهان دروغین پیدا می شدند مثلا در بابل شخصی برخاست و خود را بخت النصر نامید و کس دیگری می گفت من شاه عیلام هستم. کتیبه بیستون فهرستی از سرزمین‌هایی که داریوش ناگزیر به زور سلاح به کشور بازگردانید به دست می‌دهد.

شورش عیلام بسبب آنکه مردم با پیش‌وای آن یاری نکردند به زودی خاموش شد و داریوش وضع خویش را در این ناحیه استوار ساخت و کوشید تا این موقع را حفظ کند و بدین منظور اسناد رسمی را بزبان عیلام ترجمه کرد (کتیبه بیستون) هنگامی که داریوش سرگرم استقرار نظم در بابل بود فارس و شوش و ماد و اشور و مصر و سرزمین پارتها و مرغیان و ساتاگیدیه و سرزمین سکایان از قلمرو او جدا شد.

پادشاهی دروغین در سرزمین ماد پیدا شد که خود را از بازماندگان هوخشتره خواند و نام فرورتیش را بر خود نهاد. پس از لشکرکشی‌هایی چند که داریوش شخصا فرماندهی سومین و آخرین آن روا به عهده داشت فرورتیش مغلوب شد. سرزمین‌های پارتها و هیرکانیه که هیستاپ پدر داریوش از طرف وی در آنجا حکومت می‌کرد علم طغیان برافراشتند. یکی از وفاداران داریوش شورشیان را در مرغیان شکست داد (سال ۵۲۲ پیش از میلاد) داریوش در سال ۵۱۷ ناگزیر با عیلامیان که مجدداً طغیان کرده بودند به مبارزه پرداخت و علیه سکایان و ماساگتها که در آن سوی دریا می زیستند لشکرکشی کرد. سرزمین ماساگتها در خاور دریای ارسال میان دو رود امودریا (جیحون) و سیر دریا (سیحون) فرار داشت. اسکونخا که رییس سکایان و ماساگتها بود در نقوش برجسته کتیبه بیستون با کلاه نوک تیز دیده می‌شود. داریوش سر انجام موفق شد تا در کشور بزرگ خویش که قبایل گوناگون ساکن آن بودند آرامش و امنیت برقرار سازد.

داریوش به مصر سفر کرد تا یاری کاهنان مردم آن سامان را جلب کند. طرز اداره حکومت او مورد تایید قرارگرفت و قدرت وی در آنجا استوار گشت. در کتیبه بیستون آمده است که داریوش پس از رسیدن به مقام شاهی در ظرف یک سال ۹ بار جنگ کرد و پیروزگشت و ۹ پادشاه را اسیر کرد و بر اثر کوشش‌های بزرگ و فراوان کشور هخامنشیان احیا شد. شاهنشاهی جهانی هخامنشی می بایست با سازمان نوینی اداره شود که استواری و هماهنگی آن را تامین نماید. می‌بایست امور اداره کشور در دست پارسیان متمرکز شود و فهرست مالیات‌ها تنظیم و جانشین هدایا و تحف که تا انزمان معمول بوده گردد و اساس پول بر قرار شود و امور مذهبی سازمانی تازه یابد و خطی برگزیده و متداول گردد. داریوش تمام این مسایل را حل کرد.

در شماره آینده به طرز اداره کشور باستانی ایران در زمان هخامنشیان می‌پردازیم.

قطع کمک‌های اضافی دولتی به جوینده‌گان کار و تأثیر احتمالی آن بر بازار کار

بابک صالحیان

(کارشناس ارشد و تحلیلگر املاک استرالیا)

موسوم به QLD Outback میزان اجاره در فاصله زمانی سپتامبر ۲۰ تا ژانویه ۲۱ آن هم به میزان تنها ۱/۱ درصد، کاهش یافته است. نتیجه این تحقیق همچنین نشانگر افزایش متوسط اجاره بهای مسکن معادل ۴/۲ درصد در این مناطق می باشد که این از متوسط افزایش ملی رشد اجاره که ۲/۵ درصد می باشد بیشتر است!

نکته مهم این است که با تغییر این کمک اضافی دولتی واقعیت‌ها نشان از کاهش عملکرد در آمد اجاره مالکان ندارد. این بدان معناست که در چنین شرایطی حتی امکان رشد اجاره بها وجود دارد.

با همه این‌ها آنچه در این داده‌ها برجسته می‌شود این است که تغییرات قریب‌الوقوع کمک هزینه جوینده‌گان کار می‌شوند باعث افزایش فاصله بین در آمد و هزینه‌های مسکن برای برخی خانواده‌های آسیب پذیر در استرالیا شود و در حالی که بازار اجاره ملک رو به تقویت باشد استرس مسکن و حتی بی خانمانی ممکن است برای افرادی که معیشت آنها تحت تأثیر کووید ۱۹ قرار گرفته است بیشتر شود. اما در مجموع تغییر در JobseT Teker بعید است بازار مسکن را تحت الشعاع قرار دهد گرچه کاهش این کمک‌ها قادر است به وضعیت سکنی افراد بسیار آسیب پذیر لطمه بزند.

کمک هزینه اضافی جوینده‌گان کار قرار است تا پایان ماه مارس متوقف شود. این کمک هزینه از ابتدای شروع کورونا تحت پوشش کمک اضافی به دلیل کورونا افزایش قابل توجهی یافته بود. در ابتدای کورونا این کمک اضافی ۲۷۵ دلار در هفته بود. این باعث شد پرداخت‌ها برای بعضی دریافت کنندگان دوبرابر شود. به تازگی اعلام شد که این کمک از انتهای مارس کاهش یافته و به میزان تنها ۲۵ دلار اضافه به پرداخت‌های اصلی خواهد بود. این ۲۵۰ دلار کمتر از ابتدای کوروناست.

آیا حذف این مکمل بر بازار مسکن تأثیر خواهد داشت؟

البته باید بر این نکته صحنه گذاشت که کاهش کمک به جوینده‌گان کار در ماه‌های اخیر تقریباً بر بازار مسکن و روند آن بی تأثیر بوده است. این کمک در اوایل سپتامبر ۲۰ به ۱۲۵ دلار در هفته کاهش یافته بود و تا سه ماهه اول ۲۱ به ۷۵ دلار در هفته کاسته شده بود. با این حال فعالیت بازار مسکن درست در همین بازه زمانی افزایش یافت. بین ماه سپتامبر ۲۰ تا ژانویه ۲۱ شاخص قیمت ملی خانه ۳/۲ درصد رشد کرد و اجاره‌ها نیز ۲/۵ درصد افزایش یافت!

نظر دیگری که وجود دارد این است که به دلیل بهبود قابل توجه اقتصاد در خلال کاهش کمک موسوم به جاب سیکر تعداد کسانی که با کاهش این کمک لطمه می‌خورند کمتر خواهد شد.

داده‌های دولت استرالیا حاکی از آن است که در پایان ژانویه ۲۱ نسبت به سپتامبر ۲۰ معادل ۱۱/۷ درصد استرالیایی‌ها کمتر از این کمک استفاده می‌کنند. با این حال هنوز هم احتمال دارد که فشار بر بازار مسکن بیشتر شود زیرا تعداد دریافت کنندگان این کمک هنوز نسبت به آغاز کورونا ۵۵/۹ درصد بیشتر است.

تغییرات در این کمک احتمالاً تأثیر بسیار کمتر از تصور قبلی بر بازار مسکن خواهد گذاشت با توجه به اینکه خانواده‌های کم در آمد معمولاً نرخ مالکیت کمتری از مسکن دارند و تعداد بیشتری از آنها اجاره نشین هستند. البته این می‌تواند تأثیر غیر مستقیم بر بازار مسکن داشته باشد در جایی که کاهش بازده اجاره می‌تواند تأثیر غیر مستقیم بر بازار مسکن از طریق کاهش درآمد سرمایه گذار داشته باشد.

با این حال حتی در مناطقی که بیشترین نسبت دریافت کنندگان این کمک را نسبت به جمعیت محلی داشته است میزان دریافت اجاره توسط مالکان تغییرات بسیار متفاوتی داشته است. تحقیقات کورلاچیک نشان می‌دهد در مناطق مختلف نتایج کاملاً متفاوتی داشته‌ایم.

این تحقیق در بین نواحی که ماکزیم جمعیت ۲۵۰۰۰ نفر داشته و بیشترین میزان کمک هزینه جوینده‌گان کار را نسبت به جمعیت محلی می‌گرفته اند صورت گرفته است و نشان می‌دهد که تنها در یک منطقه



گلستان نو به قلم کاوه افراسیابی

حکایت از دوستی و دردی

یکی از علمای شهر از سعدی گلایه داشت که چرا حدیث به سخنش نیامده و سرگینش می‌لند. ابتدا سعدی وظیفه زیارت از مقدسات را بهانه نمود اما تاغ کشته نبوده لاجرم احترام نزد

مخفرد دست خوشی از خواهی
دور شو تا بیشتر خواهی
تا جنت در دوری راست از خواهی
تا نجات بدو نه خود خواهی

گلستان نو

قلم

لطف اله (کاوه) افراسیابی

حکایت از کودکی و اخلاقیات

مادر فرزاد چند ماهش نیز د سعدی آمد و از او پرسید که چرا آداب اخلاقیات به فرزندش قلب گنگ نزد. سعدی گفت صندوق تربیت با والین است که سنگینیش با گواشت زمان کمتر و کمتر می‌شود.

هنر آنکه در کودکی خرد آموزند
پس هر وقت حرمت داشته‌ای کار است
آن‌کان که در این امر معطل و روزند
ضاد آنکه در این پیشمان دیگر است

حکایت از درویش در سنگی

پیش یکی از درویشان شهر سعدی فریاد زاریان بود و همدم و همقدم اما درویش تن دست از سنگی تا صبح می‌نالد. سعدی صیقلی از سنگ برایش فراهم آورد اما درویش نخورد و گفت

دوست فلکم شرط آدمیت است
که گرسنگی باقی باشد
دینچین است شرط آدمیت
که تا آن زمان سیری یادم باشد

حکایت عشق باغبان

از سعدی راجع به عشقش با باغبانی جویا شدند و او گفت جلال روی باغ پرده بر سیاه می‌کشند و زمین فرمی بدل می‌انگند. لاجناب اگر هم در پیه گمان ز معکشی و غرور باقه عوض و جویا رو قد قد مرغ می‌باشی

دل عاشقان بیشتر شود در بهستان
تا بجز آن دل را فریاد توست
لعن مورچه گمان است و در گدستان
ایام دولت تکوین ایران توست

حکایت جلال روانشناس و سعدی

روانشناسی شهر که ادعای علمبران داشت و رفتار بنده زمانه با دیگران داشت بر فردی تصادف با سعدی داشت. بی‌آنکه با خوبی و خلق شیخ کترین آشنایی داشته باشد شروع کرد از مشاوران بگویی کردن. سعدی با متانت به روانشناس نصیحت کرد که فدای دانه‌ها بگردد اگر ار داد.

نمانت آنکه ظلمت بر وزد بر آدمیت
نه نیک اندیش نه گریز تیز دندان
شبان بزرگه گفت ای خلق آدمیت
عاقبت لذت کار در زندان



حکایت از سخاوت شیخ

رهنم بر سعدی مزدی که از اشعارش حاصل شده بود در درمیان شهر میان مردم بخشش می‌کرد و عده‌ای گمان بردند که فلان شیخ و کوشیده‌اند که سفرش بکنند اما گوش سعدی به حکار این دنیا بند

درش کن با حقیران کسی

که عین میل مال کرده بس
عزیز به انتظار فرج آسان نشستی

تا این که فدای باراناج کرده بس؟

حکایت از سعدی و خواجه ناسد

یک از علما سنی از درستان قدیم سعدی بود متهم به فساد و مفسد بود و از سعدی فرات که کنگ در روضه اتماض بکنند سعدی گفت بنظر من کند که از درون بر آن

کاش آنان که جرم مرتکبند

کمال منزل در توبه بینند
آند فزاین از این بار ببارد

مشق عالی را بس بر بینند
شرطه وین فزانه جهالت

دردا که هلیب خود بیمار بیند

حکایت از صلح به دن پرچم

امیر از سعدی فرات که میان دو قبیله صد هم میانیگری طلبند و پرچم صلح را نیز با خود برد اما سعدی مخالفت نمود و گفت

اگر صلح خواست رونه مشورت بیاکن

پرچمش را تا آون کفله کتمان
روفت باز صلح در گرد مصلحت

کار د این درد از بیمار کتمان

حکایت از سکه در جویبار بوستان

باغبان در بوستان سعدی به سکه‌ای در جویبار دست یافت و فرزند سعدی آنکه و قند می‌ش کرد سعدی قبول نکرد و سکه را به باغبان بخشید

بخش شرافت امن

دانه‌ای دل برداشتن از سکه مشکل است
زان دل که قبله چشم تا جرات

کز آن فزانه دل کردن بس مشکل است
به جیش گل صدم شو او ناعد

کند کوشش در شیه حل هو مشکل است

حکایت عشق درویش

درویشی سخت عاشق شده بود در شبانه روز بی تاب می‌کرد و کله‌ای هم اشک می‌رفت و گوشش به حکار نصیحت‌ها می‌شد و نبود به چه کار آیدم زندگی

مردم به که بی عاشق
چه عنصر به عشق آورد عنصر

دگر محرمیت از بر عاشق
تو کز محبت عشق بی‌بهر

در بند دیو شکار بی عاشق

حکایت از حاکم خودپرست

حکایت از حاکم شرعی گفته که از ادعای مردم غافل بود و به نکر مال اندوزی روزی سعدی پس از شنیدن صدای امر اهل مردم به سراغ حاکم رفت و گفت

کس نیاید به یاری دیوار

که بر آن نیک جنبه گفته

بد افتوی در فراز ایستاده

چشم نیکی سیره می‌کند

گمرا در دوزخ نباشد جایی

عمل کن که دوزخ به تو جنبه کند

سبزی پلو با ماهی شب عید

اکرم فلاح



درباره طبخ این غذا باید گفت که برای حفظ ارزش غذایی آن بهتر است که از سبزی‌های تازه و غیر فریز استفاده شود. علاوه بر این برای ایجاد طعم خوشایند و افزایش ارزش تغذیه‌ای کوکو سبزی می‌توانید از مغز گردو و زرشک استفاده کنید. کنید.

چطور می‌توانیم سبزی پلو ماهی را سالم و با حفظ ارزش غذایی‌اش تهیه کنیم؟

حفظ ارزش غذایی مواد مصرفی در علم تغذیه بسیار مهم می‌باشد و بهره‌گیری از این دانش مطمئناً بر ارزش مواد غذایی خواهد افزود. اولین گام در این مرحله انتخاب مواد اولیه سالم است. در این زمینه، انتخاب ماهی سالم و تازه و همچنین سبزیجات تازه اهمیت ویژه‌ای دارد که باید به آن توجه کرد. زیرا سبزی در طی خرد شدن، سرخ شدن و پخته شدن مقداری از ویتامین‌ها و املاح خود را از دست می‌دهد.

همچنین در روش تهیه و پخت ماهی‌ها باید توجه نمود که بهترین روش طبخ ماهی آب پز کردن و بخارپز کردن آن است زیرا در ماهی سرخ شده بسیاری از مواد مغذی مفید آن از بین می‌رود و حرارت زیاد روغن امگا ۳ موجود در زیر پوست ماهی را اکسید می‌کند و از بین می‌برد. برای بهبود طعم ماهی‌های بخارپز می‌توان آن را به همراه انواع ادویه‌ها، سیر تازه، سبزیجات فراوان و متنوع و یا افزودنی‌هایی چون نارنج و یا چاشنی‌های خوش طعم مصرف کنیم.

پختن ماهی در فر نیز روش خوبی برای حفظ مواد غذایی موجود در آن

همان‌طور که همه شما می‌دانید از دیرباز رسم بر این است که در ایران زمین، مردم در شب عید سبزی پلو با ماهی میل می‌کنند. اما آیا تا به حال دلیل این کار را از خود پرسیده‌اید؟ آیا مردم از گذشته‌ها برحسب عادت این کار را می‌کردند یا اینکه همانند هر کدام از اجزای سفره هفت‌سین، غذای شب عید نیز فلسفه مخصوص به خود را دارد؟ البته که هیچ‌کدام از سنت‌های ایرانی بدون دلیل و ریشه تاریخی نیست و پشت پرده این سنت دیرینه نیز رازی کهنه و قدیمی نهفته است. اگر شما نیز برای کشف این راز کنجکاو هستید در این مقاله با ما همراه باشید.

ماجرای ماهی خوردن در نوروز در حقیقت از ماجرای حضرت سلیمان و انگشترش نشأت می‌گیرد. اگر درباره این داستان نمی‌دانید، قصه چنین است که حضرت سلیمان، انگشتری داشت که به کمک آن می‌توانست دیو و پری را به خدمت خود درآورد. از قضا روزی این انگشتر به دست دیوی که خود را به شکل حضرت سلیمان درآورده بود، افتاد. در ادامه ماجرا دیو به جای سلیمان نبی، بر تخت سلطنت نشست و برای آنکه مبادا انگشتر دوباره به سلیمان برسد آن را به دریا انداخت. سلیمان ابتدا این قضیه را به مردم گوشزد کرد اما کسی به او گوش نداد از این رو به صحرا و کنار دریا رفت و ماهیگیری پیشه کرد. مدتی بعد هنگام ماهی‌گیری حضرت سلیمان شکم یک ماهی را شکافت و از قضا، خاتم گمشده را در شکم ماهی یافت و بر دست کرد. اندکی بعد مردم از این ماجرا باخبر شدند و دانستند که سلیمان حقیقی با خاتم سلیمانی، بیرون شهر است. پس در سیزده نوروز دیو را از تخت پایین کشیده و همه از شهر بیرون آمدند تا سلیمان را به تخت بازگردانند. بر اساس این داستان عده‌ای بر این باورند که ماهی خوردن در شب عید تجدید خاطره‌ای از یافتن نگین سلیمان و رمزی از تلاش انسان برای وصول به اسم اعظم عشق باشد که با نوروز و رستاخیز بهار همراه است.

گذشته از این داستان، خوردن برنج در گذشته‌ها به مناسبت‌های خاصی محدود بوده و به دلیل داشتن برکت در کنار ماهی که نشانه حیات است و سبزی که حکایت از برکت و زایش دارد، در بسیاری از خانواده‌های ایرانی در هر کجا که زندگی می‌کنند، در شب عید رایج بوده است. درباره فوت‌وفن طبخ این غذا باید بگوییم که سیر طبع بسیار گرمی دارد و اگر چند عدد آن را همراه ساقه سبزش روی دمی سبزی پلو بگذارید یا در روغن یا در حین بخارپز کردن ماهی استفاده کنید نه تنها از عطر و طعم اشتها برانگیز آن سود می‌برید بلکه خوشمزگی آن را دوچندان می‌کنید. البته سبزی پلو با ماهی تنها غذای لذیذی نیست که در ایام عید سرو می‌شود. غذاهایی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم غذاهای رایج در ایام عید است که مربوط به همه شهرها و مناطق کشورمان است. مانند رشته پلو با گوشت و یا قرمه سبزی و کوکو سبزی با گردو و زرشک. کوکو سبزی از آن دسته غذاهای خوشمزه است که در هر نقطه‌ای از ایران یافت می‌شود و به دلیل طبخ سریع و آسان در ایام عید به همراه فامیل و آشنایان مصرف می‌شود.



است. سبزی موجود در سبزی پلو ماهی نیز بهتر است زیاد حرارت نبیند زیرا سبزی در اثر حرارت زیاد مولکول‌هایش تغییر شکل داده و ارزش غذایی‌اش از بین می‌رود. بنابراین بهتر است سبزی‌های پلویی در مرحله آخر پخت اضافه شوند و برای حفظ ارزش غذایی و ویتامین‌های آن کمترین مدت زمان پخت و کمترین حرارت را متحمل شوند.

طبق توصیه انجمن قلب آمریکا افرادی که دارای بیماری‌های قلبی هستند بایستی هفته‌ای ۱۸۰ گرم (دو بار در هفته و هر بار ۹۰ گرم) ماهی مصرف کنند که به علت داشتن اسیدهای چرب امگا-۳ باعث کاهش تری‌گلیسرید و فاکتورهای التهابی و افزایش کلسترول خوب (HDL) می‌گردد و احتمال ابتلا به بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهد. بنیاد ملی قلب استرالیا هم اطلاعاتی درباره امگا-۳ موجود در ماهی‌های مختلف موجود در بازار ارائه می‌کند. در این لیست ماهی‌هایی مثل Atlantic salmon و ساردین بهترین منابع امگا-۳ هستند و میگو و خرچنگ در جایگاه بسیار پایین تری قرار دارند.

و در آخر چه خوب است اگر حفظ سنت و فرهنگ مصرف سبزی پلو و ماهی در شروع بهار، سرسبزی و شروع فصل و سال جدید، شروع و نقطه عطفی باشد برای اصلاح الگوی غذایی و افزایش مصرف ماهی و سبزیجات نه تنها در شب عید، بلکه به عنوان بخشی از عادات و الگوی غذایی ما در تمام طول سال باشد و انشاءالله سلامتی، شادابی و نشاط بیشتر را برای کل افراد جامعه به ارمغان بیاورد.

انتخاب ماهی

گونه‌های زیادی ماهی شناخته شده در خلیج فارس (با احتساب تنگه هرمز و منطقه مرزی خلیج عمان) زیست می‌کنند. که از پرمصرف‌ترین و شناخته شده‌ترین ماهیان دریایی می‌توان موارد زیر را نام برد:

ماهی حلوا سفید، ماهی حلوا سیاه، ماهی سرخو، ماهی سنگسر، ماهی شوریده، ماهی شیر، ماهی تن (هوور)، ماهی کفشک، ماهی هامور، ماهی بیاج، ماهی کوتر (باراکودا یا دوولمی)، ماهی طلال، ماهی شورت، ماهی شهری، ماهی راشگو، ماهی صبیتی، ماهی گاریز، میش ماهی، ماهی چمن، ماهی سارم (مقوا سلیمانی)، ماهی مقوا سفید، ماهی سوکلا (سکن)، ماهی زبان، ماهی صافی، ماهی گالیت و ...

تنوع و تقسیم بندی ماهی‌های جنوب بسیار گسترده است و هر کدام از گونه‌های ماهی خواص، طعم، ظاهر و شیوه پخت منحصر به فرد خود را دارد. این تنوع بالا علاقه‌مندان به مصرف غذاهای دریایی جنوب را در انتخاب بهترین ماهی جنوب دچار سردرگمی می‌کند.

و اما آشنایی با انواع ماهی شمال، بهترین و خوشمزه‌ترین ماهی‌های دریای خزر کدامند؟

ماهی سفید دریایی

ماهی کپوروماهی کفال و ماهی کولی

اردک ماهی

والبته ماهی ازادوماهی قزل‌الا که هر دو ماهی اب ششیرین رود خانه ای

هستند و ازون بزون یا ماهی خاویاری

سه نوع ماهی دارای خاویار در دریای خزر وجود دارد به نام: های بلوگا

استروژن، آسترا استروژن و سوروگا استروژن

با توجه به اینکه ما در ملبورن استرالیا دسترسی به این گونه از ماهی‌ها نداریم می‌توانیم با جایگزین کردن ماهی‌های سالمون وحشی و یا سالمون اقیانوسی ویا برمندی و یا سی بس و قزل‌الا، سفره نوروزی مان را رنگین کنیم.

روش پخت سبزی پلو:

سبزی‌های این پلو شامل تره، جعفری، شوید، گشنیز، شنبلیله و یک بسته سیر است.

نکته مهم این که در هر منطقه با توجه به جغرافیا و آب و هوایش احتمالا نوع و میزان سبزی‌ها تغییر کرده و کم و زیاد میشود. ما نیز در ملبورن هم میتوایم از سبزی‌های منجمد که از فروشگاه‌های ایرانی تهیه میشود استفاده کنیم و یا با خرید بی بی اسفناج از کلز والدی اضافه کردن کمی سیر تازه رنده شده مقداری سبزی خشک مانند شوید و جعفری ویا کمی شنبلیله یک سبزی پلوی معطر آماده کنیم.

۳ لیتر آب را با نمک کافی به جوش می‌آورند و برنج را اضافه می‌کنند تا باز به جوش آید. پس از ۱۰ دقیقه همین قدر که مغز برنج سفت نبود سبزی را اضافه می‌کنند. سپس دیگ را در آب‌کش ریز خالی می‌کنند. کمی آب ولرم روی برنج می‌دهند و با تکان دادن آب‌کش، سبزی و پلو به صورت یک‌دست مخلوط می‌شوند. نیم پیمانه آب‌روغن در دیگ داغ می‌کنند. مخلوط برنج و سبزی را با کفگیر داخل دیگ می‌ریزند. سپس دیگ را روی شعله زیاد قرار می‌دهند و پس از آنکه دم بالا داد شعله را کم می‌کنند و یک پیمانه آب‌روغن می‌دهند البته اگر از سبزی تازه ویا برنج جاسمین استرالیایی استفاده کنیم نیاز به اب وروغن اضافه ندارد. سپس دم‌کنی می‌گذارند و روی شعله ملایم پس از نیم ساعت سبزی پلو با ته‌دیگ آماده است. زعفران را در آب داغ حل می‌کنند و یک کفگیر پلو روی آن می‌ریزند و هم می‌زنند و دیس سبزی پلو را با این برنج زعفرانی تزیین می‌کنند.

کوکوی سبزی:

ماده اصلی مورد استفاده در تهیه کوکو سبزی، ترکیبی از چند نوع سبزی با نسبت مشخص است که در طعم و مزه واقعی آن تاثیر به‌سزایی دارد. درست با هم فرق داشته و هر یک طعم منحصر به فردی دارد. در واقع افراد بسته ذائقه خود، و منطقه جغرافیای شان ترکیب مشخصی از انواع سبزیجات را در کوکو به کار می‌برند. تره، گشنیز، جعفری، شوید، کاهو، سیر، تره و پیازچه و اسفناج و شنبلیله سبزیجاتی هستند که با نسبت‌های متفاوتی در تهیه کوکو سبزی به کار می‌روند. در بعضی از مناطق کوهستانی و جنگلی بخشی از سبزیجات خودرو نیز به اجزای کوکو اضافه می‌شود مانند کودکوته و شنگ و چوچاق و ...

اما برای ما که در ملبورن استرالیا زندگی می‌کنیم هم می‌توانیم از فروشگاه‌های زنجیره ای جعفری و گشنیز و شوید و پیازچه و تره تهیه کنیم که کمی گران است و هم می‌توانیم از سبزی‌های خشک ویا منجمد که از ایران می‌رسد استفاده کنیم به همراه چند تخم مرغ درشت وادویه‌های دلخواه.

روز جهانی حقوق بشر

مرضیه کاظم زاده ایرانشهر

ویژگی‌ها، به رسمیت شناخته شده و ترجمه آن به بیش از ۵۰۰ زبان صورت گرفته است. حقوق بشر در قلب آرمان‌های توسعه پایدار قرار دارد. اگر کرامت انسانی نادیده گرفته شود، نمی‌توانیم به توسعه پایدار امیدوار باشیم. حقوق بشر در نتیجه پیشرفت در تمام جنبه‌های آرمان‌های توسعه پایدار محقق می‌شود و آرمان‌های توسعه پایدار متقابلاً به پیشرفت در وضعیت حقوق بشر وابسته است.

موضوع روز حقوق بشر در سال جاری، مرتبط به بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ «بهبودی بهتر؛ ایستادگی برای حقوق بشر» تمرکز بر بازسازی بهتر تأثیرات مخرب این بیماری که با در نظر گرفتن حقوق بشر در محوریت تمام تلاش‌هاست. تنها در صورتی به اهداف جهانی مشترک انسانی دست پیدا خواهیم کرد که بتوانیم فرصت‌هایی برابر برای همه خلق کنیم، آسیب‌هایی که به دلیل بیماری کووید-۱۹ نمایان شده یا از آن نشأت گرفته‌اند را مورد توجه قرار دهیم، و استانداردهای حقوق بشر را برای رویارویی با نابرابری‌های ریشه‌دار، سیستماتیک و میان‌نسلی، محرومیت و تبعیض به کار بگیریم. دهم دسامبر فرصتی برای تأیید مجدد اهمیت حقوق بشر در بازسازی جهان، همبستگی جهانی و ارتباط متقابل و ویژگی‌های مشترک انسانی است.

شیوع ویروس کرونا آتشبار آسیب‌پذیر جامعه در سراسر جهان، از جمله کارگران، افراد دارای معلولیت، افراد مسن، زنان و دختران و گروه‌های اقلیتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. شیوع ویروس کرونا موجب افزایش آمار فقر، نابرابری، انواع تبعیض، سرکوب آزادی‌های مدنی و سایر موارد نقض حقوق بشر نیز شده و جوامع بشری را با چالش‌های جدیدی روبرو ساخته است. در همین رابطه دبیرکل سازمان ملل متحد با انتشار یک پیام ویدیویی تصریح کرد که شیوع ویروس کرونا اهمیت دو حقیقت اساسی در مورد حقوق بشر را تقویت کرده است: نقض حقوق بشر به همه ما آسیب می‌رساند و تحقق این حقوق بشر به عنوان یک ارزش بین‌المللی از همه ما محافظت می‌کند.

با کمال تأسف اصول اعلامیه حقوق بشر روی کاغذ ثبت شده است و چون اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد تنها قصد و خواستی را بیان می‌کنند و به لحاظ قضایی و حقوق ملل الزام‌آور نیستند بنابراین متأسفانه هر روز در گوشه کنار دنیا شاهد نقض حقوق بشر توسط حکومت‌های کشورهای مختلف هستیم، پاندمی کرونا نیز به این تناقضها دامن زده است، به امید اینکه کلیه مواد اعلامیه حقوق بشر در تمام جهان اجرا شود و روز جهانی حقوق بشر معنای واقعی داشته باشد.

مجمع سازمان ملل متحد در تاریخ بیست و چهارم اکتبر سال ۱۹۴۵ با امضای منشور ملل متحد که توسط پنجاه کشور انجام شد رسماً شکل گرفت. سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و این اعلامیه، که هدف آن برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید.

این اعلامیه نتیجه‌ی مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند را به صورت جهانی بیان می‌کند. برای نخستین بار در تاریخ بشریت ۴۶ عضو سازمان ملل متحد بر سر حقوقی با هم به توافق رسیده‌اند که همه انسان‌ها بایست از آن برخوردار باشند البته تعدادی از کشورها از جمله اتحاد جماهیر شوروی، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی به این اعلامیه رأی ندادند. اعلامیه شامل ۳۰ ماده می‌باشد که در سطح بین‌المللی مطرح شده است، ایده‌های اساسی این اعلامیه که در سطح بین‌المللی مطرح گشتند، حاصل صدها سال تفکر در باره حقوق انسان به عنوان انسان بودند. نخستین و مهم‌ترین اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌گوید: «تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند.»

این پشتوانه عظیم فکری که محصول صدها سال کار فیلسوفانی است که به حقوق انسان به عنوان انسان اندیشیده‌اند برای کامل کردن این اعلامیه کافی نبود بنابراین لازم بود که در سال‌های پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اصولی تکمیلی به آن افزوده شود تا روشن گردد که اسیران جنگی، آوارگان، زنان، مخالفان با جنگ، قربانیان شکنجه و کودکان نیز انسان‌هایی هستند که باید از حقوق پایه‌ای بشری برخوردار باشند. اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد تنها قصد و خواستی را بیان می‌کنند و به لحاظ قضایی و حقوق ملل الزام‌آور نیستند. با وجود این، اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ یکی از مهم‌ترین اسناد بشریت است. این اعلامیه سنگ محکی است در تاریخ که بسیاری از کشورها الگویی برای تدوین قانون اساسی ملی‌شان از آن الگو برگرفتند.

جالب است بدانید که روز جهانی حقوق بشر در آفریقای جنوبی ۲۱ مارچ می‌باشد، این روز به یاد قتل شارپویل، که در ۲۱ مارچ سال ۱۹۶۰ اتفاق افتاد، گرامی داشته می‌شود. این کشتار در نتیجه اعتراضات علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی رخ داد. روز فرخنده یادشده آفریقای جنوبی با انتخاب نلسون ماندلا به‌عنوان اولین رهبر منتخب دموکراتیک برای دولت تحت عنوان یک روز تعطیل ملی اعلام شده است.

اعلامیه حقوق بشر سندی حائز اهمیت است که در آن حقوق غیرقابل انکار تمامی انسان‌ها، فارق از نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی یا سایر دیدگاه‌ها، ریشه‌های ملیتی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا دیگر

نگاهی به چهارشنبه سوری های برگزار شده در ملبورن توسط کانون ایرانیان ویکتوریا طی سالیان گذشته

عکس ها: منیژه دلایلیان







نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

GOLBANG

Official Monthly Magazine of the Australian Iranian Society of Victoria (AISOV)

Issue 191 - MARCH 2021